

کتاب سبز

دکتر بصیر کامجو

Green
Book

Dr. Basir Kamjo



کتاب سبز

(سخنان اخلاقی ، اجتماعی و فلسفی)

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

Green Book

Moral, social and philosophical discourses

Author: Dr. Basir Kamjo

مشخصات کتاب

نام : کتاب سبز

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مسئول چاپ : نهاد های برون مرزی خراسان

طرح و دیزاین پشتی : حامد قیومی

چاپ نخست : 1400 شمسی برابر 2021 میلادی

تیراژ : 5000 جلد

.....
حق طبع برای نویسنده محفوظ است .

کاپی ، تکثیر و نشر بدون اجازه مؤلف مجاز نیست .

بنام خداوند مهر و روشنایی

فهرست مندرجات

صفحات	عناوین
-------	--------

بخش اول :

- مقدمه : صدای دانه جو 7 – 10
- مدخلی بر کتاب سبز 11 – 15
- قسمت یکم – انسانیت 16 – 23
- قسمت دوم – مادر 24 – 33
- قسمت سوم – فرهنگ 34 – 43
- قسمت چهارم – اراده 44 – 53
- قسمت پنجم – گذشت 54 – 64

بخش دوم :

- قسمت ششم – آزادی 65 – 76
- قسمت هفتم – مهربانی 77 – 84
- قسمت هشتم – حق و حق شناسی 85 – 89
- قسمت نهم – احتیاج 90 – 106
- قسمت دهم – واژه ذات 107 – 123

مقدمه :

چون اساس و بنای « کتاب سبز » گردایه ای از ارزشهای حق و حقوق انسان و انسانیت ، پاس و تکریم رفتار اخلاقی در زندگی مشترک یک جامعه و شناخت عقلانی از حقوق و آزادی آنها قرار دارد.

ما لازم دانستیم که برای همخوانی متن کتاب ، مقدمه ای را با نگرش متفاوت درد شناختی در قالب منظوم ، زیر نام « صدای دانه جو » که ندا حق ، حقخواهی و ابراز وجود را ارائه می دارد ، به بیان گیرئیم .

صدای دانه جو

زبان داس به هنگام چیغ ساقه جو
 همین بگفت به درو، رحم کن به ریشه جو
 زگریه های همه ساقه های سربردرو
 چکیده خون زمزگان دانه دانه جو

در آن سرا که جو، زخم قهر ، به جسمش بود
فضا و مزرعه را درد وناله ، پُر کرده بود
دران هوا ، نَفَس مرگ جَو، د گردش بُود
شنیده بوده دروگر، فغان جَوئِ خون آلود
میان شق شق داس و سوهان که گفته بود !
عجب زمانه بد این حیات بود؟ که نه بود

یکی بیآمد و با داس تیز سرم ببرید
دیگر بیآمد و با سُم گاو سیاه و سفید
چنان فشار بداد تنه ام به هرسو پرید
مرا زخوشه و کاشانه ام برون بکشید
عجب زمانه که هیچ کس به داد ما نرسید
به حال ما همه ذی روح کدام صدا نکشید

آخ ! ندا کشید لب بسته ، گیاه خلوت جوی
به غصه گفت به آب روان چنان بد جوی
چرا حیات همه ساکنان حومه جوی
به میل خود نگری مالکان خود خواه جوی
گیاه برگه سبزی بهار به باغچه و جوی
بقتل رسیده ز دستی اجیر لالا گوی

به طرز نیمه هراس آن دروگری مزدور
بفکر پاک بشد رفت ز حرص دنیا دور
برای اینکه بدیده نوای هر مقتول ،
حضور صحنه خون و ندایی نعره مور
جرات بکرد بخود از سرشت قصه زور

مدد بخواست زوجان بقسم مرد جسور
بگفت به مالک داس این چه فکرتی ناجور

چرا به قتل و قتالی هزاربُتّه جوّ؟؟

به کیش و عُرْفِ غضبِ یا به گونهٔ شبخون
برای کسب همان لقمه نان ، پُر از خون
عمل نموده همه مالکان داس همگون

21 می 2005 میلادی کامجو

مدخلی بر « کتاب سبز »

کتاب سبز ! گونه ای از آموزه های سلوکی اخلاق تطبیقی است برای انسانهای هوشمند ، خردورز و دانش پژوه .

آرمان ما در این سخنان ، رویش و استمرار رویکرد های فکری و انسانگرایی ست ، که بگونه پندنامه های مفید اخلاقی ، اجتماعی و فلسفی بایک مقدمه و یک مدخل ؛ در 366 سخن سره ، دوبخش و ده قسمت شرح و تعریف گردیده است.

شایستگی سخنان و پژوهشهای عقلانی ما در این کتاب ، تجلی ارزشهایست که در مُتون قدیم تاریخ پرافتخار نیاکان ، بوسیله حکما ، فلاسفه ، نوابغ ، خردمندان ، دانشوران، و پیشوایان علم و معرفت این سرزمین – بالنده و تنومند گردیده است.

با این مناسبت قابل یاد آوری می دانم که در عصر ما نوشته **کتاب سرخ** نیز یکی از باارزش ترین آموزه های ناب اخلاقی و فلسفی است برای همزیستی ، همگرایی و انسانیت ، که پاره از نمود معرفت و دانش نیاکان ما را تشکیل می دهد . این کتاب با اهمیت پراز پند و اندرز برای خوشبخت ساختن انسان و رهنمایی وی بسوی جهان بدون درد و استقرار زندگی نوین می باشد ، که پیوسته مورد توجه مردمان آگاه قرار گرفته است.

کتاب سرخ ، دارای سخنان برگزیده وناب ازباغستان سرسبز فرهنگ مهر و روشنایی شناخت و آگاهی فیلسوف زمانه ما ، گرانسنگ حکیم اُرد بزرگ می باشد.

من این پندنامه خرد ورزانه ، بی غش وپاکیزه را به رغبت و شور عقلانی و با چشم دل خواندم ودر آن شرح ژرف اندیشه های صاف گوهر یاردانش انسانی وانسان بودن ، آهنگ عشق ، ستایش پاکی ، درود راستی وارزش مهربانی را یافتم .

مگر بایک تفاوت اندیشه که « اُرد » در بخشی از کتاب سرخ خود « پیرامون مرده پرستی » می نویسد:

" اُرد بار ها گفته است تازمانی که ابوعلی سینا ویا خوارزمی ، نماد دانش واندیشه ایرانی باشند ، کشور ما حتی یک گام هم بسوی دانش روز جهان برنخواهد داشت . بی پرده بگویم دل خوش نمودن به اساطیرودانشمندان مرده به معنای نادیده گرفتن دانشمندان زنده است .

هنگامی که می بینم برخی با آب و تاب کوشش می کنند از مردگان برای زندگان الگوی علمی بسازند ، تمام وجودم فرو می ریزد و آرزو می کنم کاش ما چنین الگوهایی نداشتیم . "

اما ب فکر ما ! شناختن و ترویج کردن اندیشه ها و رویکردهای فکری و دانشی مردان بزرگ و دانشمند و فرهیختگان پیشین سرزمین نیاکان ، نزد ما از اهمیت ویژه، جایگاه و مقام، قدر و منزلت خیلی بلند برخوردار است .

ما به دانش و معرفت و شناخت همه ای خردمندان و فلاسفه و همه چیزدان های سرزمین قدیم و حال میهن اجدادی خود فخر و مباهات می کنیم .

باید گفت که بزرگان و سخنوران و خردمندان ما مرده نیستند ، نام آنها در تاریخ پر افتخار سرزمین ما ایران بزرگ با خط زرین ثبت است . و در جان ، خون و پوست ، روح و روان و احساس اخلاقی تک تک ایرانی تباران (تاجیکان ، پارسها و گردها) در سراسر جهان نقش بسته و جاویدانه باقی می ماند.

سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش به نکویی نبرند

فکرواندیشه نیاکان ما پله های معرفتی ست که از آن راه تا به اینجا بلند شده ایم. و بر بنیاد این معرفت و با پذیرش دانش روز و نیازمندی های پیشرفته بشری ، به سوی فردای روشن در حرکت هستیم .

قابل یاد آوری است که گوهر اساسی فلسفه اُرد بزرگ بر بنیاد سه درون مایه : جهان هستی ، انسانیت و آزادی ترکیب یافته است.

و واژه پاکیزهٔ عشق در امتزاج هر سه درون مایه ، ارزشی است که جریان جوهر انسانگرایی فلسفه اُردبزرگ رابسوی کمال هدایت می نماید .

بناً فلسفه اُرد بزرگ از دید ما یک نگرش انسانی برای همگرایی ، همزیستی ، همآیشی و باهم بودن را درجو آزادی و انسانیت ، به جهان بشریت پیشکش می نماید.

تبلیغ و ترویج اندیشه اُرد بزرگ ! رسالت اخلاقی و انسانی همه کار آگاهانی را تشکیل می دهد که با بینش دگردوستی و شناخت عقلانی از کرامت و نجابت انسان ، به زندگی عشق می ورزند و با نیت پاکیزه درخت دوستی و آزادی و انسانیت را ، آبیاری می نمایند.

فلسفه اُرد نزد ما بمرتبهٔ خشت طلایی در کاخ زرین فرهنگی نیاکان ما جا و مقام خود را دارد . و ما باورمندیم که هر دانش اندوخته ای که خون پاک : (کیومرس ، هوشنگ ، کی قباد ، کیکاوس ، دیاکو ، کوروش بزرگ ، اشک یکم ، کوجوله کادفیز ، اردشیر بابکان ، ابومسلم خراسانی ، طاهر فوشنگی ، یعقوب لیث صفاری ، اسماعیل سامانی ، علاءالدین حسین غوری ، زرتشت ، مانی ، مزدک ، امام اعظم ابوحنیفه ، محمد خوارزمی ، امام

محمد بخاری ، رودکی ، فردوسی ، ابن سینا ، بیرونی ، ابن مسکویه ، خیام ، سعدی ، حافظ ، عطار و سنایی و مولوی ...) ، دررگ رگ وجود وی جریان دارد ، رسالت خود می داند که درفش کاخ فرهنگی ایران زمین را پیوسته و جاویدانه در اهتزاز نگهدارد.

بتأسی از این امرودرک رسالت وجدانی و عقلانی بوده ، که اینجانب هوشمندانه در تابش آموزه های فرهنگی و نگرش های فکری و فلسفی پیش کسوت ها و خردمندان ایران باستان ، خواستم برخی از اندیشه های اخلاق تطبیقی و بینش های فکری و فلسفی خویش را به گنجینه سرای دانش و معرفت انسانی اجداد مان ، زیر نام « کتاب سبز » نوشته و ارائه کرده باشم .

بخش اول :

قسمت یکم - انسانیت

انسانیت گوهرذاتی انسان است که در قالب سلوک اخلاقی آدم
گری ، خوش خُلقی وادب رویت حاصل می کند. بصیرکامجو

انسانیت درخت گشَن ایست که در زمین آزادی ومهر بارور می
شود. بصیرکامجو

آگاهی وشعور ، بازتاب جهان هستی در مغز انسان است ، که
میزان انسانیت ما را در کردار بنمایش می گذارد . بصیرکامجو

آن عمل انسانی جلوهگاه نجابت است که حقیقت آدمی و آدمیت را
جاویدانه سازد. بصیرکامجو

بزرگ زادگی ، از آن کسانی اند که دارنده سه ارزش وجودی :
پاک نژادی ، درک عقلانی از کرامت انسانی و عشق و رزیدن
به آزادگی ست . بصیرکامجو

رفتارهای پسندیده ، پاکیزه و نیکوسرشت - نمود های انسانیت
و گواه راستین شرافت است . بصیرکامجو

انسانیت ، باورمند بودن و یقین داشتن به دگردوستی ، همزیستی
و همگرایی است . بصیرکامجو

انسانیت ، آموزه زندگی پهلوی هم بودن ، باهم بودن و برای هم
بودن است . بصیرکامجو

معرفت چیست ؟ اسلوب دانستن پایه مادی و معنوی زیست ، برای
انسان و انسانیت است . بصیر کامجو

انسانیت بمفهوم رمز عشق ورزیدن به ذات ملکوتی انسان ، به سرسبزی ، به آزادی در همه جوانب موازات هستی است .

بصیر کامجو

اگر ارزش گوهر وجودی انسان ، انسانیت است. پس غیابت این ارزش در انسان بربریت و نافرهیختگی می باشد . بصیر کامجو

درس انسانیت هنگامی از راه آموزش و پرورش امکان پذیر می شود ، که همه اساسات و سامانه فرآگیری دانش را انسانی سازیم.

بصیر کامجو

انسانیت با خمیره سرشت ، خو و منش انسان پیوند وجودی دارد ، والدین باید به ساز و برگ این خمیره ، توجه عقلانی داشته باشند. بصیر کامجو

در عصر ما ، ارزشهای فرهنگ انسانیت و آدمیت و آزادی همچو کبک بی بال در تیررس استکبار قرار دارد . بصیر کامجو

استقرار امنیت ، قانونیت ، مصونیت و آزادی ، نماد سازنده برای انسانیت و همزیستی است . بصیر کامجو

ایجاد زندگی شرافتمند ، وابستگی به نظام مشروع و مردمسالار دارد ، فقط نظام مردمسالار از آبروی مردم و انسانیت پاسداری می کند. بصیر کامجو

انسانیت آب پاکیزه ایست که درخت خوشبختی مردم را سرسبز نگه می دارد. بصیر کامجو

رفتار انسانگرایانه گوهرنایابی است که ارزش معنوی خود را در دلها می نشاند . بصیر کامجو

انسانی سازی سیاست و اشکال شعور اجتماعی جامعه ، بستری مناسبی برای گسترش نیروی معنوی و مادی انسانیت است.

بصیر کامجو

هر قدر انسان در حصار اندیشه دگم و خودگرایی محصور بماند ، به همان اندازه از ارزشهای انسانیت فاصله می گیرد . بصیر کامجو

انسانیت یک حقیقت وجودی نیرومند است ، که بر شرارت ، پستی و فرومایگی پیروزمی شود. بصیر کامجو

اگر می خواهی آرامش درونی داشته باشی ، به آرامش دیگران اندیشه کن. بصیر کامجو

هر کار نیک انسانی است ، اما عشق ورزیدن به کار نیک صحنه گذاردن به انسانیت و شرافت است . بصیر کامجو

فرومایه ترین انسان کسی است که اندیشه و آرمان مقدس انسانی خود را به قدرت و مادیت بفروشد . بصیر کامجو

انسانیت سهش اخلاقی برای درک نیازمندی بیرونی و درد درونی دیگران است . بصیر کامجو

بنیاد انسانیت بستگی به سرشت نیک : عشق ، مهر ، راستی و احساس دارد . بصیر کامجو

چون اصل منش ارزشهای اخلاق کرداری انسانیت - پاکیزگی است ، براین مبنا گوهرانسانیت از هرگونه آلودگی دنیایی منزّه است . بصیر کامجو

انسانیت زاینده آرزومندی و نیروی تداوم حیات بدون درد است .
بصیر کامجو

هرکاری با خوی انسانگرایانه ، در راستی امر ، آبیاری نهال امید ، برای بختیاری و خوشبختی انسان است. بصیر کامجو

انسانیت یعنی شخم زدن زمین آرزو های انسان ، برای باروری و استمرار زیست باهمی و گسترش مهرودوستی . بصیر کامجو

انسانیت ارزش پربهایی است که بُود آن در انسان مهر و محبت می آفریند ، و نبود آن وحشت و بربریت. بصیر کامجو

هر انسانی که به انسانیت ارج نمی گذارد هنوز در مراحل رشد پست حیوانیت گیر مانده است . بصیر کامجو

درس زندگی آموزشگرای نیست که انسانیت ، سرچشمه خروشان نور و روشنایی ، هدایتگر راز همگرایست . بصیر کامجو

کمال نفس را خوشبختی گویند و خوشبختی برای انسان انگیزه
ایست که آنرا بکمال انسانیت برساند . بصیر کامجو

سه چیز انسانیت را تقویت می بخشد :

1 - پاکیزگی دنیای درون ، 2 - عمل به ندای وجدان ، 3 -
آزادمنشی . بصیر کامجو

نفس انسانیت چون نقره تمیز است . همانند باران یکسان سر همه
می بارد و همچون آفتاب برابر سر همه می تابد ، پس بیائید که
در نظام سرسبزی و روشنائی انسانیت بمانیم . بصیر کامجو

پدیده ای جنگ و فقر و ناهمگونی اجتماعی - مانند سُوم : ریشه
انسانیت و آدمیت را خشک ساخته و مولد جنایت می باشد .

بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت دوم - مادر

اگر باشد که اساس معرفت و شناخت خویش را بر بنیاد سه ارزش پاک انسانی تاریخ نیاکان ما : گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک قرار دهیم . در آن صورت رسالت ما روشن می شود که با رعایت احساس اخلاقی به انسان به آدمیت ، به نجات و کرامت انسانی تمکین گذاریم و در درخشش چنین ارزشها یک زندگی دور از غم و اندوه را بوجود آوریم .

تاریخ بشر شاهد هزاران جنگ و جنایت علیه یکدیگر بوده است . همین جدال هایی پی در پی ، سبب شده که حقوق و آزادی های انسان را در گُل و خانواده و مادران و زنان را بگونه ویژه زیر پا نماید و زندگی مردم را پیچیده تر ، مغلقتر و سختتر سازد . و این سخن به همگان واضح است که آغاز هرگونه جنگ میان دو نفر ، دو گروه ، دو قوم ، دو کشور و یا چند کشور مقابل همدیگر ، همه یکسان برای برتری جویی و بدست آوردن مادیت ، قدرت و شهوت است ؛ اگر باشد که کدام توجیه ذهنی ای دیگری در مورد ارائه شود و یا وجود داشته باشد ، همه دروغ محض است .

هرانسان از مادر تولد شده است. مادر کسی است که بهترین روزهای جوانی خود را فدای خدمت نمودن و به ثمر رسانیدن فرزندانش ساخته است. همه ما از دوران کودکی تا نوجوانی بمدد همین مادران جوان بوده است که به اینجا رسیده ایم.

پس تمام انسانهای روی زمین به مادرانشان بدهکارند و این بدهی را در زندگی خود باید بپردازند. اگرما همه حق شناس و راستکار هستیم. از همین اکنون باید بفکر پرداخت بدهکاری اخلاقی به مادر خود بشویم و وجدان خود را از جدال های درونی وجود مان رها سازیم.

هراندیشه و باوری که در آن جایگاه و مقام شایسته مادر، این ملکه مهر و روشنایی تعریف، تأکید و تمجید نشده باشد، ناکامل است. بصیرکامجو

هر فرد، نظام، قوم و گروهی که مصونیت، آزادی و حقوق انسانی زن و مادر را در حیات اجتماعی جامعه مختل می نماید و بانگش بدوی خویش به قد و قامت مادر، جامعه قانون و قواعد می بُرد و می دُوزد، باتأسف که این قماش افراد هنوز از درک واقعی ارزش و قدسیت شیرمادر بدور مانده و در دایره توحش قرار دارند. بصیر کامجو

مادر ، ننه ، والده ، مامان ، ریشه وجان ، نفس و بُود من است .
بصیرکامجو

زبان وجدان ، ندا می زند که ، امروز قدرمادررا بدان که فردا
خیلی دیراست . بصیرکامجو

اساس سرشت و میزان خوش خویی وراستی گویی هرکس ،
بستگی به تربیه و آموزشی دارد که در دامن عشق و محبت مادر
و خانواده ، فرا گرفته است . بصیر کامجو

عشق ذاتی بی نهایت مادر به فرزند به وسعت کُل هستی است .
باید به این عشق بیغش و بی مانند ، حرمت گذاشت و سرتکریم
فرود آورد . بصیر کامجو

حقا مددا ! هر دست اهریمنی ای که درزندگی به روی پاک مهتاب
گونه مادر بلند بشود ، برای همیشه سیاه بخت باد . بصیرکامجو

مادر معرف و رمز همه ارزشهای انسانی و سجایای نیک اخلاقی در زندگی بشریت است. بصیرکامجو

مقیاس عشق مادر را نمیتوان بامیزان سنجش انسانی پیمایش کرد ، یگانه اسلوب قیاس این عشق جاویدان، تنها حرمت گذاری عقلانی و اخلاقی به شناخت ارزش پاکیزه شیرمادر است . بصیرکامجو

سیرشت مهربان مادر سر پنهانی است که خداوند پاک این سیرت را برای رستگاری بشریت هدیه نموده است . بصیرکامجو

خداوند برای مادرها ، قوه ادراک ، قابلیت قدرت تمیز و حق مادری را لایق دانسته ،ازین سبب آنها قادراند که بمدد همین مخیله و پندار، تپش قلب و نیاز درونی فرزندان خویش را بهتر بدانند . بصیرکامجو

مادر مایه دلگرمی حیات و امید زندگی خانواده است .

بصیر کامجو

جنایتکاران پرورده دست مادران نیستند . زیرا همه مادرها و پدرها در فضای امن خانوادگی باحُسن دگر دوستی برای کودکان خود درس انسانیت و صداقت ، راستی ، محبت و دوستی رامی دهند . درچنین بستر سبز خانواده و جامعه ، پیدایی و تربیه گروه های جنایت پیشه غیر ممکن می افتد . این رژیم های غیرمشروع و گروه های دهشت افکن وابسته به آنها اند ، که مولد جنایت پیشگان می باشند . بصیرکامجو

چرا مادران بی نهایت مهربان و با گذشت اند ، زیرا خداوند پاک آنها را نماینده زمینی و آموزگار مهرودوستی خود ، برای بشریت خلق نموده است . بصیرکامجو

تکریم بار معنایی نام « مادر » :

(م) آن مهربانی ،

(الف) آن انسانیت ،

(د) آن دوستی ،

(ر) آن راستی ، تفسیر می شود .

کرما ، خوشا ! به مادران خود آگاه که این چهار ارزش انسانی را در مغز و روان فرزندان خود هوشیارانه حک و به نیروی سلوک اخلاق عملی آنها تبدیل نموده است. بصیرکامجو

همه مادرهای جهان مهربان هستند. مگر هیچ مادری در جهان مهربان تر از مادر من پیدا نمی شود. بصیرکامجو

آیا شما در جهان کسی را سراغ دارید که آغوش گرمش در همه حالات بد و خوب زندگی : چه در بیماری و تندرستی و چه در تنگدستی و گشاده دستی ، برای فرزندانش باز بوده و با آوازنرم و مملو از عشق و محبت سخن بگوید .؟! بلی ! آن شخص تنها مادر است . بصیرکامجو

چون وجود پاکیزه مادر به فیض و برکت خداوندی خاستگاه نوع بشر است. باید مصونیت حقوقی ، امنیت روانی مادر ، برای دولت و جامعه واجب و بمثابه یکی از مسئولیت وجدانی و حقوقی وی ، در قانون اساسی نظام تسجیل گردد . بصیرکامجو

کار دستمزد حقوق مادران خانه که مصروف رسیدگی به تربیه و مراقبت کودکان شیرخوار و پیش مکتبی اند ، بدرجه یک کارمشتغل قانونی ، از جانب دولت شناخته و به ارزش بی خوابیها و شب زنده داری های مادران ج گذاشته شود. بصیرکامجو

مادر در ذات خود منبع شادمانی و خوشی و آرامش هر خانواده است . در غیرآن، غیابت این سه ارزش فوق ، به میزان اقتصادی، مناسبت کاری، سلوک رفتاری پدر بستگی دارد ، نه به مادر . بصیر کامجو

ما مهر مادر و عشق همسر را باهم آمیخته نکنیم ، هر دویش را گرامی داشته باشیم . زیرا این عشق همسراست که در زندگی خانوادگی به مهر مادر دگرگون می شود . بصیرکامجو

من در نوجوانی سختی های زیادی را پشت سر گذراندم ، و هر گاهی که خود را ناتوان حس می کردم دلگرمی های مادرم پاهای لرزان مرا استوار می ساخت. خوشبخت ترین لحظات زندگی ام زمانی بود که مادرم برایم لبخند می زد. فدای نامت شوم مادر. بصیر کامجو

میزان دوستی انسان به مادر متناسب به میزان میهن دوستی وی است . زیرا مادر نماد پیدایی و میهن نماد رویش ماست . آنهاییکه به مقام و مرتبه حقوقی مادر ارزش قایل نیستند ، بدون شک که به دوستی و حق شناسی میهن ، اهتمام نمی ورزند . بصیرکامجو

عشق و شور مادر همچو موجی است که خانه و خانواده را در خود می پیچاند ، که با شکیبایی اش زندگی امکان پذیر می شود و با نیکخواهی اش دلپذیر . بصیرکامجو

نقش سازنده مادر در آموزش و پرورش کودکان حیثیت نور آفتاب به نباتات را دارد . همان گونه ای که زندگی نباتات و زنده جانها بدون نور آفتاب مقدر نیست . زندگی کودکان در نبود نور آفتابگونه مادر نیز گیاه بی آب و خشکیده ای بیش نیست . بصیر کامجو

آنهایی که ارزش مهر مادر را نمی دانند یا بیسواد اند یا بیمار .
بصیر کامجو

درک دانشورانه ، قوت اراده و وجدان بیدار ، پایه اساسی شناخت جایگاه ارزندهٔ مادر - این مهربان ترین اعجاز آفرینش در کرهٔ خاکی ما است . بصیرکامجو

هرگاه با نیکویی و کرم ، حرمت و دوستی ، به مادر برخورد شود ، دعای دل و نوای احساس اخلاقی وی ، فرخندگی ، شادی و خوشبختی پاسخ می دهد . بصیرکامجو

هیچ چیزی در زندگی عزیزتر از خوشی و شادی مادر وجود ندارد .
بصیرکامجو

تسجیل قانونی ، سهم مساوی زنان و مادران بامردان ،
درساختارسیاسی قدرت و اداره دولتی ، گام عدالت‌مندانه ایست ،
که مصونیت حقوقی و مادی زنان و مادران را درحیات اجتماعی
و خانواده ضمانت می کند . بصیرکامجو

وقتی ارزش لبخند واقعی مادر را درک کردی ، بدانی که راه درست و راست را انتخاب کرده ای ، راهی که انسان با درک راه بسوی باغستان خوشبختی می کشاند . بصیر کامجو

می گویند پسرها تا روز ازدواج به عشق ، مهر و دوستی مادر وابسته اند . پس از آن بی نیازی می شوند . بفرمان هیچ عشقی و محبتی در زندگی وجود ندارد که جای عشق و محبت مادری را پُر نماید . بصیر کامجو

در گنجینه سرای دانش و معرفت فرهنگی اجداد مان مقام و منزلت شایسته مادربه نویسه زرین نقش است . اما کنون رهبری این گنجینه فرهنگی بدست کسانی قرار دارد که به ارزش انسان و مقام شایسته مادر کدام احترامی قایل نیستند . خداوند این قوم بی راه را برای راست هدایت بفرما ، که تا یک زن و یک مادر فرشته صفت راهمچوکالا در بازار وحشت به مرکب مبادله نه نمایند . درود بر جایگاه ملکوتی مادر . بصیر کامجو

همسخی حقوقی مرد و زن باور پاک است که پیوند دوستی میان پدر و مادر و خانواده را گره می زند . بصیر کامجو .

بخش اول :

قسمت سوم - فرهنگ

مجموعه ارزشهای علمی ، دانشی ، معرفتی ، شناخت و آگاهی از هستی (طبیعت ، انسان و جامعه) جهان خلقت و آفرینش ، پندار ها ، باورها ، آئین و رسوم ، زبان و ادبیات ، تاریخ و اقتصاد ، اخلاقیات ، موسیقی و هنر ، آموزش و پرورش ، ادب و خلق و خو ، قوانین و مقررات ، ابزارها ... و غیره را فرهنگ یک قوم یا یک ملت می دانند . بصیر کامجو

فرهنگ یک هویت است . و آن هویت شایستگی ، غرور و افتخار فرد و جامعه را در حیات اجتماعی ، ملی و بین المللی تمثیل می کند . بصیر کامجو

ارزشهای فرهنگ انسانی که نمادی از بالندگی است ، باید گرامی داشت . تنها فرهنگ بالنده و رفیع است که انسانها را بسوی قله های خوشبختی و آرامش می کشاند . بصیر کامجو

همه هنجارهایی مورد قبول انسان همچو دوستی ، شفقت ، مروت ، آدمیت و تربیه اخلاق نیکو ، خمیره کنه فرهنگ را تشکیل می دهد . بصیرکامجو

با قوت تمام فرهنگ بشر دوستی و تهذیب را در جامعه تعالی بخشید ، در غیر آن فرزندان ما درسایه پندار های نادرست ، بسوی فرهنگ بربریت گرایش می نمایند . بصیر کامجو

فرهنگ وجه تمایز انسانها در یک سرزمین است . همین وجه تفارق فرهنگی سبب می شود که ملت های نجیب و متمدن از ملت های شریر و غیر متمدن ، متمایز گردند . بصیرکامجو

فرهنگ ارزش هویتی و تباری ایست که هست و بُود، شرف و ناموس، روح و روان ، عزت و سربلندی ، فخر و قدر، مقام و منزلت ما را در زندگی تبیین می کند . بصیرکامجو

فرهنگ با مروت اجداد مان که آهنگ گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک را به بشریت سر می دهد ، بایست آنرا باخون و پوست و گوشت خود بپذیریم . زیرا تنها همین سه سرشت سلوک اخلاقی انسان است که جامعه را بسوی آسایش و آزادی ، همبستگی و همزیستی می کشاند . بصیرکامجو

تاریخ فرهنگ اصیل نیاکان خویش را بدانید . و آن را به فرزندان خویش توصیه کنید . فهم درست تاریخ پدری به انسان پاکیزگی نفس ، سَهش قوت اراده ، تمکین و وقار ، توانمندی ابراز وجود را در انسان زنده می سازد . بصیرکامجو

شالوده ای فرهنگ نیاکان ما همجوشی و آدمیت ، عشق و رفاقت است . هر فرهنگ بد سرشت دیگری که جنگاوری ، تیرگی و تاریکی را گسترش می دهد ، باید از بستر گرم خانواده و جامعه پاک شود . بصیرکامجو

هنر و موسیقی رکن اساسی فرهنگ است . بنیاد آن ، درگستره آزادی بدون تفتیش ، برای خوشی و خوشبختی انسان ، پایدار و برومند می گردد . بصیرکامجو

ارزش هنر و هنرمند را گرامی داشت. این توانایی و خلاقیت هنرمندان (سینماگران ، آوازخوانان و نوازندگان ...) است که به لبهای انسانها خنده می آورد ، با نمایشات جالب ، خوشی و سرگرمی را به خانواده ها می بخشد ، و زندگی را دلچسپ و فرهمند می سازد. بصیرکامجو

هنر پیام آور مهر و محبت و خرم دلی ، و بازنمایی از گشایش پل دوستی میان مردم است . بصیر کامجو

فرهنگ و هنر وقتی جاویدانه می شود که ارزشهای سلوکی :
خوش خویی ، خوش رفتاری ، خوش نیتی ، خوش گمانی ، خوش بینی ، گشاده رویی ، حرمت گذاری ، فروتنی ، وفاداری ، دامنند ، راستگویی ، سخاوت ، خیرخواهی ، مدارا ، ادب ، همدردی ، پیماننداری ، آسان گیری ، چشم پوشی ، امان دادن ، آبرو داری ، عفت ، راز داری و راز پوشی ، امانت داری ، سپاسگزاری ، عفو و بخشایش ، مهربانی ، شرم و حیا - را در میان مردم ترویج و آنرا به سلوک رفتاری و پنداری مردم مبدل سازد . بصیر کامجو

آزادی رسانه ها بدور از مراقبت و سانسور دولت ، یک امر واجب و لازمی برای رشد و تکامل شعور اجتماعی جامعه می باشد .
بصیر کامجو

خردمندان و آگاهان امور مسئول اند که زمینه های رشد اساسات دانشی جامعه و جوانان را متغیر سازند. فرهنگ کتابخوانی و امکانات آموزش نوین را توسعه بخشند . و رشد سالم اندیشه و تفکر جوانان را به مسیر همگرایی ملی سوق دهند. بصیر کامجو

بزرگداشت از فرهنگ جشنهای باستانی نیاکان : جشن نوروز ، جشن سپندارمذگان ، جشن سده ، جشن چهارشنبه سوری ، جشن شب یلدا یاچله ، یک هویت فرهنگی و مکلفیت و اساس نیروی همبستگی و بنیان ملی است. بصیر کامجو

قدسیت آن فرهنگ قابل ستایش و پذیرش است . که در مرکز توجه آن تنها انسان ، خوشبختی و سعادت وی قرار داشته باشد .
بصیر کامجو

پاکیزگی یک فرهنگ در سازه های گوهر باری نهفته است ، که ذات بنیادین آن به کرامت و نجابت انسان پیوستگی داشته باشد. بصیر کامجو

فرو زندگی فرهنگ زمانی در تغییر شعور اجتماعی مردم تبیین می شود ، که نیروی مینوی آن به نیروی مادی افکار جامعه تبدیل گردد . بصیر کامجو

پدرها و مادرها توجه جدی به تربیه سالم فرزندان شان داشته باشند. و آنها را از گزند فرهنگهای مخدوش و مبهمی که احترام به ابهت و فره انسان قایل نیستند ، بدور نگهدارند . بصیر کامجو

هر کسی که فرهنگ اجداد خود را خوب نداند ، تمام عمر خدمت گزار فرهنگ بیگانه می ماند . بصیر کامجو

پذیرش فرهنگهای بیگانه ودغلكار زهرکشنده است كه سلامت معنوی فرزندان را سمآلود کرده و سرنوشت آینده آنها را به خرابی ونابسامانی می كشاند . بصیركامجو

زبان فارسی فرهنگ و هویت مشترك همگانی سرزمین ماست . باید این هویت شایسته و پرافتخار را مانند مردمك چشم نگهبانی كرد . بصیركامجو

هرفرهنگی كه به جنگ وستیزه جویی گرایش داشته باشد، كاذب ، سیه روی و ناكام است. بصیركامجو

بالندگی فرهنگ زمانی پدیدارمی گردد ، كه راهكار شناسایی آن ، به مسیر بی نهایت های دانش به پرواز درآید . بصیر كامجو

خوش خُلُقِی وگُشاده رویی نه تنها یک سرشت اخلاقی ، بلکه
درون مایه تمدن یک فرهنگ است. بصیرکامجو

زبان و کتاب دو پایه اساسی فرهنگ انسانیت را تشکیل می دهند.
بصیرکامجو

قوه بُرندگی فرهنگ و هنر ، از آلماس کرده بُرنده تر، واز فولاد
کرده سختر است. بصیرکامجو

روش فرهنگ تعقل را در شناخت و معرفت اسباب زندگی
بکارگیر، تنها با این دیدگاه میتوان جهان هستی را بتدریج
مهارکرد. بصیرکامجو

هر فرهنگی که در چمبره تفکر انتزاعی و پندارهای ابهام آمیز
اسیرمانده باشد . یقیناً از رشد بلند اندیشه و گنج معرفتی تمدن بی
بهره است . بصیرکامجو

راه رستگاری مردمان بافرهنگ ، تمکین گذاشتن به اخلاق انسانی، تأکید نمودن به تمدن و تکامل بشری است. بصیرکامجو

هر فرهنگ بر بنیاد دستاوردهای تاریخی مردمان و نامداران یک سرزمین شکل می گیرد . بنأ اندیشه ها ، رویکردها و معرفت علمی و دانشی بزرگان سرزمین ما ، پایه اساسی فرهنگ ما را تشکیل می دهد. بصیرکامجو

زبان همچو یک فرهنگ موجب پیوستگی و تفاهم بین افراد جامعه می شود . ارزشهای فرهنگی ای که بوسیله زبان ، کار و تفکر انسانها تولید می گردد ، هویت فرهنگی و زبانی گویشوران آن جامعه را تشکیل می دهد. بصیر کامجو

هویت فرهنگی دارای قدر و منزلت ، ارزش سیاسی کشوری ، منطقی و جهانی است . و این قدر و منزلت نقش برگزیده در تکامل بسترهای زیست اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد . و به قدرت منتخب سیاسی نظام ، مشروعیت حقوقی می بخشد . بصیرکامجو

هویت ملی به معنی هویت تباری و خونی، هویت فرهنگی بمفهوم هویت علمی، دانشی و معرفتی تفسیر می شود، این دو هویت، با ارزشترین و مشروع ترین نوع هویت، در نظام های سیاسی و نهاد های اجتماعی جهان شناخته می شود. بصیر کامجو

سماع مولوی یک فرهنگ است. این فرهنگ را نباید تنها چرخیدن و پایکوبی پنداشت. این آیین باستانی نیاکان ما گونه ای از راه و روش تزکیه نفس، بهسازی روح انسان و رفتن به سوی جلال و بزرگی، دبدبه و شکوه ذات حق است. بصیر کامجو

تنها در بستر فرهنگ مدنی در یک جامعه، آزادی، امنیت، استقلال و خودفرمانی ملی استقرار می یابد. بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت چهارم - اراده

اراده ، خواسته دل و آرزو ، آهنگ و عزم ، میل و خواهش ، غایت و نیت داشتن به اجرای یک فکر در عمل است . بصیرکامجو

اراده مصمم شدن به کاری است . بصیر کامجو

اراده اعتقاد و باور و بازجستن آرمان قلب است . بصیرکامجو

اراده و اختیار وجه تمایز میان انسان و حیوان است . بصیرکامجو

اراده جز ای از توانایی ، پایداری و امید است . بصیر کامجو

اراده ایجاد موقعیت مناسب برای خوشبخت زیستن است .
بصیر کامجو

اراده گونه ای از پیوند اعتقاد و ایمان و یا یقین درونی و عمل
بیرونی است. بصیر کامجو

اراده خود ایستایی و استواری در کسب اهداف مقدس انسانی
است. بصیر کامجو

اراده ندای درونی وجود ، کینه کشیدن از جنس جنایت است.
بصیر کامجو

اراده تفکر کردن زیاد نیست ، بلکه عمل از روی راستی و اجرای
ماهرانه آن است . بصیر کامجو

اراده آن هدفی است که با شلاق عقل و عشق به فراز امید و ارسته
سوق می یابد . بصیرکامجو

اراده شمایل امیال در ذهن است که از عزم و اعتقاد می آغازد
وبه قله های بلند آرزو می نشیند. بصیرکامجو

اراده از دید اجرایی تصمیم نیست بلکه بُعد دیگری از شیریه ای
عمل است. بصیرکامجو

اراده اقتضاء اجابت کردن دواعی اعتقاد و ایمان است که
سرنوشت زندگی را تعیین می کند . بصیرکامجو

اراده خود ایستایی ابراز وجود برای رهای من و تو از قید اسارت
و بربریت است. بصیرکامجو

درد و سوزش جگر بیوه زنان ، اشک جاری یتیمان ، چیغ لب بسته گرسنگان ، آه سحر گاه مادران غمدیده ، اگر امروز در آسمان ابر آلود قدرتها پوشانیده شده و در چهاردیواری های قانون جنگل هوای نفس زندانی و خموش اند ، فردا این درد و ناله و خشم استخوان سوز ، به اراده مردمی و دژ مقاومت ستمدیدگان تبدیل خواهد شد . بصیر کامجو

رژیم های نامشروع در همه زمانه ها - هراس از به پا خیزی و حق خواهی اراده جمعی دارند . بصیر کامجو

یگانه ممکنه براه استفاده معقول از سلاح مطبوعات و ارتباط جمعی است که « اراده » مردم را در جهت همبستگی بسیج می سازد و مقاومت ملی را شکل می دهد و تقویت می بخشد . بصیر کامجو

هیچ نیرویی قادر نیست که جلوی همبستگی ، خیزش
و خودایستایی اراده مردم را بگیرد . بصیر کامجو

مفاهیم - انگیزه ، مراد ، خوبی ، خیر، از جمله واژه های
است که با اراده در تداخل اند . اراده از انگیزه زایش می یابد ،
هرگاه آن انگیزه از احساس تکلیف انگیزته شده باشد انسانی است
وگرنه ، نه ؟ و خوبی و خیر آن وابسته به انگیزه است نه به نیت و
مراد انسان . بصیر کامجو

اراده و خرد دو واژه به هم پیوسته ای اند . انسان به مدد خرد
ارزشهای عالی خوشبختی و مسیر درست زندگی را تشخیص می
دهد ، وبا پیگیری و خود ارادیت آنرا حصول می نماید.
بصیر کامجو

اراده جوهر مبارزات سیاسی است . بدون اراده و خود ارادیت به
اهداف غایی سیاسی رسیدن کار دشوار است . بصیر کامجو

اراده سیاسی از کوه نارضایتی ها و بدبختی ها و ناامیدی های زندگی اجتماعی مردم در ذهن انسان شکل می گیرد و دنیای درونی وی را تحت فشار قرار می دهد . رهایی از فشار اراده ، گیرماندن انسان درگستره ترس نیست ، بلکه تحقق تقاضای اراده در عملکرد ارضای انسان است . بصیر کامجو

- اراده سیاسی : نوعی از حاصل کمال شعور جمعی و تجلی ای از خواسته های متفاوت لایه های گونه گون اجتماعی است . که در فرآیند مبارزات سیاسی منحصی سنگپایه روانی عمل ، علیه اهداف ضد انسانی حُکام نا مشروع و جنایت پیشگان ، عرض وجود می کند . بصیر کامجو

کسب سرشت خودارادیت لازمه ابعاد مختلف حیات اجتماعی است . در شکل گیری چنین سرشت ، سلوک ، امیال و آهنگ عمل انسان از عوامل جبر خانواده ، جبر اجتماع ، و وجود بستر حیات مادی و معنوی زیست او متأثر می باشد . و براساس این پایه ها و اسباب ، ویژگی انتخاب و خود فرمانی اراده وی در کار و زندگی توجیه می شود . بصیر کامجو

یکی از عوامل اساسی خود ارادیت ، تلقین به نفس ، قدرت تصمیم گیری ، مراقبت از پاکی جسم و جان ، لباس و مکان ، رعایت نمودن نورم های اخلاقی ، فرمانبرداری انسان از عقل و خرد ، راستی و امانت داری است. بصیرکامجو

استواری اراده هرچه بیشتر ، در آزادی واستغنائی انسان از متاع دنیا است. بصیرکامجو

اراده سلوکی در دو شاخه تعریف می شود . نفسانی و انسانی . اراده نفسانی در سایه هوای نفس عمل می کند ، و اراده انسانی در سایه فضایل اخلاقی. بصیرکامجو

تقویت اراده بستگی به فضایل چهارگانه : دلیری ، راستی ، خویشتنداری و ایمانداری دارد. بصیرکامجو

ضعف اراده ، گونه ای از فرمان « آز » است . و آن عطش بی درمانیست که انسان های بی بنیاد دوچار آن اند . بصیرکامجو

دگرگونی و تغییر رژیم های فرتوت در مصلحت و مدارا حاصل نمی شود. و آن به قدرت اراده مردم و رهبران دلیر و تسلیم ناپذیر بستگی دارد. بصیر کامجو

کسب اعتماد مردم به انسان ، وابسته به اراده قوی و ابهت و وقار اخلاقی وی است . بصیر کامجو

اراده کردن ، نه گفتن ! به نابرابری ، زور و ستم است .
بصیر کامجو

برای اراده سه چیز واجب است . اول عمل ، دوم عمل و سوم عمل . بصیر کامجو

اراده قوی، مرد دلیر و با شهامت و فارغ از « آز » ، می خواهد.
بصیر کامجو

پیروی از نفس اماره، عزم و اراده را زائل می کند . بصیر کامجو

مردان ترسو وسست اراده ، درحق تلفی ها شکویه وشکایت می کنند . درهنگام حق گیری و ابراز وجود ، از اراده و پیمان مردم می گریزند . بصیرکامجو

برخیز ، سستی مکن ، گرفتن حق سیری شکم نیست ، رهایی از درماندگی است . بصیرکامجو

اراده ! یعنی ابراز وجود که من هستم . بصیرکامجو

اراده نیروی جنبنده عمل ، عمل چهره مادی اراده است .
بصیر کامجو

هر موفقیت در زندگی ، بستگی به اراده دارد . بصیر کامجو

انسان بی اراده و ترسو ، نفس آلوده ولقمه حرام درکام دارد .
بصیر کامجو

اراده راستین بستگی با هوش و فراست ندارد ، بلکه از قدرت پاکیزه درونی انسان ، سرچشمه می گیرد . بصیرکامجو

ذهول ، غفلت و نسیان از ادای رسالت میهنی ، گونه ای از ناتوانی و سستی اراده است . بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت پنجم - گذشت

زندگی خیلی کوتاه وزود گذراست. چیزی که برای افراد عاقل در آن با اهمیت است ، گزیرش آهنگ هوشمندانه گذشت ، جهت استمرار خوشبختی وبختیاری انسان است . بصیر کامجو

نبود گذشت را در زندگی می توان یک خلاء بزرگ اخلاقی وسلوک پنداری ورفتاری - شناخت . بصیرکامجو

گذشت ، سجه نیک نجابت است. و نجابت گهربرازنده است که از سوی ذات حق به انسان ارزانی می شود. کسانی که دارنده سجه نیک نجابت نیستند ، باتأسف که آنها شیراند ، وبربنیاد ذات شان در تخالف با ارزش گذشت ، همیشه شرارت می آفرینند. بصیرکامجو

گذشت جوهر زندگیست، اگر با این نگرش برمسیر تعادل حقوق انسانی عمل گردد . بصیر کامجو

سازش ، چشم پوشی و گذشت ، یک شیوهٔ مدبرانه و اخلاقی ، یک رویکرد آینده نگر برای تقویه دوستی و همجوشی بشمار می آید .
بصیر کامجو

عفو و گذشت ، نیت و ارادهٔ نیک ، یک اسلوب انسانگرایانه در راستایی ، تقویت زندگی بدون رنج است . بصیر کامجو

زیست اجتماعی انسانهایی هم زبان وهم تافت ، هنگامی باهم در جوشش قرار می گیرد، که گوهر دگردوستی آنها بر بنیاد " گذشت " و همدیگر پذیری استوار باشد . بصیر کامجو

بزرگترین ارزش توانمندی یک انسان نیکوسگال ، در گذشت ، عزت نفس ، و دیدگاه دوراندیشانه وی نهفته است. بصیر کامجو

هرگونه موفقیت و تغییرات مثبت در زندگی فردی و جمعی بدون تردید از راه خودگذری ، گذشت و فداکاری، امکان پذیر است. بصیر کامجو

گذشت رفتار اخلاقی اعتماد بنفس را تقویت می بخشد و نقش سازنده ای در پاکیزگی نیت انسان ایفاء می نماید. بصیر کامجو

گذشت بازتابی از گشایش پل دوستی به مرام تقویه همبستگی و همزیستی است . بصیر کامجو

گذشت نمای مقبولیت بینش یک فرد دانشور در ارجگذاری به نجابت و کرامت انسان است. بصیر کامجو

باید ارزش اخلاقی گذشت را همیشه گرامی داشت و آنرا انگیزه ای بسوی پاکیزگی و کمال عزت نفس دانست . بصیر کامجو

صلح و امنیت در یک جامعه از خانواده می آغازد . هر قدر پسر بچه ها در آرامش و ثبات خانوادگی بزرگ شوند ، به همان مرتبه صالح ، نیکوکار ، شایسته و پایبند به اصول اخلاقی ، به جامعه تقدیم می شوند . بصیر کامجو

زیباترین آرایش فکری برای یک انسان شایسته اینست که : دشمنی را بدوستی ، جدایی را به همزیستی ، نفرت را به مهربانی و کینه را به گذشت جایگزین سازد . بصیر کامجو

اساسی ترین و ناب ترین ارزشی که از فرهنگ باستانی نیاکان ، به ارث گذاشته شده است ، همین گذشت ، بمفهوم انسانیت است . بصیر کامجو

سجایایی اخلاقی سازش و گذشت شامل ارزشهای سلوکی : خوش
نیتی ، راستگویی ، سخاوت ، خیرخواهی، مهربانی ، آبرو داری
... و غیره می باشد . بصیر کامجو

گذشت عاقلانه در زندگی، بمعنای کاریدن دانه دوستی برای
نسلهای آینده است. بصیر کامجو

گذشت یک انتخاب راستین عقلانی است . انتخابی که در دنیایی
درون انسان مورد تخالف نفس اماره قرار می گیرد . این اراده
آهین انسان است که به خواست نفس اماره نه می گوید ، و به
سخن پاکیزه عقل ، تمکین می گذارد . بصیر کامجو

گذشت به معنی تأکید در روند زندگی ماندن است. بصیر کامجو

گذشت ، به گلستان حیات روح زندگی می بخشد و از چشمه زلال
آدمیت سیراب می شود. بصیر کامجو

گذشت کردن ، گونه ای از رشد و کمال معنوی انسان است .
بصیر کامجو

بزرگ منشی به سه ارزش اخلاقی بستگی دارد . مهربانی قلب ،
تنبیه بی آرایش ، دوستی بی کینه . بصیر کامجو

مردان بزرگ کسانی اند که : خوش قلب ، پاکیزه خوی ، وفادار
بقول و قرار و عهد ناشکن باشند . بصیر کامجو

بمدد مهر ، خرد و تدبیر انسان قادر است که در برابر تخالفات
جاری زندگی گذشت نماید و باینش دوراندیشانه مشکلات کلان
زندگی را همچویک چالشی ، حل شدنی و قابل درک بداند .
بصیر کامجو

اگر تدبیر باشد ، حل مشکلات زندگی خیلی ساده هستند. این روال نگرش ماست که آنرا بزرگنمایی می کنیم . بصیر کامجو

گذشت را باید از مادر آموخت . مهرگرمش از جنس پاکیزگی است ، احساس قلبش از جنس عشق و عاطفه ، بردباری و تحملش ازلی برتافته از ذات حق ؛ درودا ! به این گوهر تابنده راز مقدس زندگی . بصیر کامجو

گذشت باز زیست دوستی است ، اگر در زندگی نسبت به رفتاری مایه ای کسی در دلتان بجای محبت کین گره خورده باشد ، با دست امید میتوان آن گره را باز کرد . زندگی شیرین است ، بارفتار کوتاه بینانه آنرا تلخ نسازید . بصیر کامجو

اگر گذشت را تجلی گهر بار بیداری خرد در انسان بشماریم ، پس روش نامتعارف انتقامجویی ، نادانی محض ای بیش نیست . بصیر کامجو

گذشت ، آشتی نمودن باخویشتن ، برای آرمیدن احساس اخلاقی انسان است. بصیرکامجو

گذشت کردن در زندگی یک بُرد انسانی است . که سود معنوی آن در آینده ظاهر می شود . بصیرکامجو

گذشت نوع احساس توانمندی و اعتماد بنفس در انجام یک کار نامتداول است. بصیرکامجو

در جامعه هر گونه گذشت و سازش اخلاقی ، اجتماعی و انسانی میان مردم مجاز است. اما قاتلان مردم ازین رویکرد مستثنا اند ، آنها بجای عفو و بخشش ، بیدرنگ به پنجه قانون سپرده شوند. گذشت کردن در برابر قاتلان مردم ، خیانت ملی بشمار می آید. بصیرکامجو

گذشت بزرگداشت از آدمیت است. با بخشایش و گذشت ، زندگی کردن را آسان سازید . بصیر کامجو

گذشت روزنه ای است بسوی آشتی ، و آشتی بستری است برای دوستی ایکه سنگپایه اعتماد و همبستگی را در همه سطوح مستحکم می سازد . بصیر کامجو

گذشت خاصه بزدلان نیست . این رادمردان و دلیران اند که دست خیر ، گذشت و بخشش ایشان در عمل بالاست . با فرهنگ گذشت و سازش در جامعه خویش احساس همزیستی را جاری سازید . بصیر کامجو

فروزندگی راز کمال خرد درچه نهفته است ؟ تنها دررویش دانش ، همزیستی و گذشت . بصیر کامجو

گذشت یکی از فضائل اخلاقی انسان است . با گذشت آسایش و دلگرمی بدست می آید و باخشم ، افسردگی و دلسردی . بصیر کامجو

چشم پوشیدن از پرخاشجویی و بد دهانی ، افترا و تهمت ، نشانه دیگری از گذشت ، بزرگواری و عیاری است. بصیر کامجو

این گذشت است که در مراودات خانوادگی سبب احترام و آسودگی ، مهر و آشتی ، دوستی و ایمنی ، فرهنگ و خوشی می گردد .
بصیر کامجو

گذشت کردن و مهربان بودن در مردانگی ست ، مردانگی درگذشت و مهربان بودن است . بصیر کامجو

روی سیاه ترین ، بدبختترین ، شرمسار ترین و نگونبخت ترین انسان کسی است که در مقام یک رهبر تنها مولد جنگ و جنایت ، وحشت و دهشت ، درد و غم برای مردمش باشد . بصیر کامجو

گذشت همچو موسوم بهاری ایست برای سرسبزی و شگوفایی زندگی ، روزنه ای است بسوی روشنایی و قدمی ست برای زدودن تاریکی . بصیر کامجو

در مورد شناسایی : حقیقت در زندگی پیدایی و شناخت راز پوشیده ای کنه ذات شیء است که ، اگر از راه عقل و تجربه و دانش بدست بیاید به آگاهی ما می افزاید و اگر از راه پندار حاصل شود به ایمان ما .

در هر دو مورد « بُود حقیقت » مستقل از ماست و به نگرش عقلانی و پنداری ما کدام بستگی ای ندارد. بصیر کامجو

بخش دوم :

قسمت ششم - آزادی

آزادی ، حق انتخاب بدون موانع است . بصیر کامجو

آزادی ، جلوه‌گاه روشنایی و فروغ است . بصیر کامجو

آزادی ، رهایی حق انتخاب از بند است . بصیر کامجو

آزادی ، بستری رویندگی اندیشه ، آسایش و امنیت است .
بصیر کامجو

در هر کشوری که جنگ جریان دارد ، آنجا آزادی نیست.
بصیر کامجو

هرجنگ وجدالی که در جهان اتفاق می افتد بغیر از اهداف مادی ،
یا برای استقرار آزادی است ، ویا برای نابودی آزادی.
بصیر کامجو

تازمانیکه رسانه ها از گلو منافع دولت صدامی کشند ، در آن
سرزمین از آزادی خبری نیست. بصیر کامجو

درخت تنومند آزادی تنها با نیروی میهن پرستان و پاک سرشتان
، آبیاری می شود . بصیر کامجو

آزادی پایه اساسی و عامل همبستگی و اتفاق شهروندی در یک
کشور است. بصیر کامجو

استقلالیت قوای سه گانه یک دولت : قوه قضائیه ، قوه اجرائیه و قوه مقننه ، در عمل ، مبین استقرار آزادی و دموکراسی در یک نظام مردم سالار است. بصیرکامجو

آزادی نیروی محرکه ای زندگی ، در سازندگی ، آفرینش و خلاقیت یک جامعه است. بصیرکامجو

آزادی، یک چراغ روشنایی درکشوراست. بانور آزادی کوچه و پس کوچه ها روشن می شود. آنانیکه از آزادی میترسند ، دزدانی اند که به تاریکی نیاز دارند. بصیرکامجو

آزادی ، حق انتخاب و گزینش ، آموزه های روشنی اند که ! از دوران اجداد ما هخامنشی ها به رهبری کوروش بزرگ به ما رسیده - و در تاریخ بشریت به خط زرین درج است. بصیرکامجو

به هر اندازه که زندگی انسان به اکسیژن (هوازا) وابستگی دارد ، به همان پیمانۀ جامعه و نظام به آزادی نیازمند است . بصیرکامجو

آزادی ، دوچشم روشن دموکراسی و جامعه مدنی است . بصیرکامجو

آزادی و امنیت لازمه یکدیگراند . وجود هر دو در تناسب همگون رویت حاصل می کنند . رهبرانی که بابلندگوهای دولتی به الویت امنیت و جنگ تأکید می ورزند در حقیقت تلاش شان اینست که با زنجیرهای ساخت قدرت ، آزادی را خفه نمایند . بصیرکامجو

آزادی واگذاری قابلیتها و توانایی آهنگ گزینش ، برای انسان است . بصیرکامجو

هر قدر پیشرفت و توسعه دانش و آگاهی یک جامعه بمدارج عالی معرفت ارتقاء یابد ، متناسب با آن ، زیرساخت های مادی و معنوی دموکراسی و آزادی در آن جامعه ، نیرومندتر می گردد .
بصیر کامجو

آزادی زاینده خرد و آگاهی است . خرد و آگاهی به انسان : توانایی حق سازندگی و تصمیم گیری ، تقویه خودایستایی و ابراز وجود را به ارمغان می آورد . بصیر کامجو

تمام خوشی و شادی ، لذت و سلامتی ، اتفاق و همبستگی یک سرزمین ، بدون موجودیت آزادی غیرممکن است . بصیر کامجو

در نظام دموکراسی و آزادی است ! که حق ، مقام شایسته خود را احراز می کند . بصیر کامجو

آزادی صدای حق و عدالت است. هر جای که این صدا در بند است ، آنجا حق و عدالت وجود ندارد. بصیر کامجو

با آزادی میتوان سنت های دست و پاگیری که مخالف تعادل حقوق شهروندی باشد ، از دامان پاک فرهنگ اجتماعی برچید . بصیر کامجو

تأمین آزادی ، هر چه بیشتر به درک و تکامل شعور اجتماعی مردم بستگی دارد. بصیر کامجو

مولد آزادی ، مردم و فرهنگ والای یک سرزمین است. اما مردمان درمانده ، ذلیل ، مزدور و فاقد فرهنگ ، آزادی را از استکبارگدایی می کنند. بصیر کامجو

در کشورهای که دین و مذهب با سیاست سروکاری ندارند. فرهنگ ، علم و معرفت بدون محدودیت های سنتی ، در دائره آزادی و دموکراسی رشد و گسترش می یابد . بصیر کامجو

درجوامع سنتگرا ، آزادی به مفهوم رهایی زن از قید اسارتِ پندارهای کهنه و واپسگرا می باشد . بصیر کامجو

اگر شهروندی در جامعه خود با حفظ مصونیت فردی ، دارای حق انتخاب دین ، انتخاب همسر ، انتخاب کار ، انتخاب زیست ، انتخاب آموزش و پرورش ، انتخاب سفر و انتخاب مکان زیست ... و غیره را به میل و اراده خود داشته باشد ، در آن کشور آفتاب آزادی با گرمی تام در تابیدن است . بصیر کامجو

آزادی ، یک ارزش دانشورانه انسانی است که قدرت اراده و تصمیم گیری رضامندان را به انسان اهدا می کند . بصیر کامجو

به اندیشه ما آزادی دارای حد و مرز است . که بوسیله قانون ها و مقررات سیاسی و اجتماعی در یک نظام منتخب و برگزیده ، بسود مردم بکار بسته شود . بصیر کامجو

هنگامی که ما از استقرار و نهادینه سازی آزادی سخن می گوئیم . آنها عبارت اند از: آزادی فکری ، آزادی بیان ، آزادی اندیشه ، آزادی در تولید هنر، آزادی انتقاد از قدرت حاکم ، آزادی رسانه و مطبوعات ، آزادی سیاسی ، آزادی اجتماع ، آزادی ادیان، آزادی های مدنی ، آزادی مقاومت ، آزادی اعتراض کردن، آزادی مذاهب، آزادی اقتصادی ، آزادی تجمع های صلح آمیز و آزادی خواندن و غیره را در برمی گیرد. بصیر کامجو

انگاره آزادی جنسی ، شامل ارزشهای تشکیل دهنده ذات آزادی نیست ، بلکه یک مشکل بهداشتی است، باید مورد مداوا قرار گیرد. بصیر کامجو

آزادی ، آزادی خواهی و آزادگی را گرامی داشت. این آزادی است که در جامعه حس بالندگی ، شادمانی، دلگرمی و غرور می آفریند. بصیر کامجو

آزادی یعنی توانایی اراده جمعی مردم ، برای نوآوری ، سازندگی و آفرینش است . بصیر کامجو

ریشه های انسانیت ، مروت و آدمیت ، تنها در گلستان آزادی به شکوفایی می رسد . بصیرکامجو

مردمی که به همسنگی و برابری حقوقی زن و مرد درامورات زندگی فردی ، اجتماعی و خانوادگی اعتقاد و باور ندارند ، و تأکید بر مرد سالاری جامعه می نمایند . دشمن آزادی اند . بصیرکامجو

آزادی ، مانند نجابت و کرامت جز ذات گوهری انسان است . بصیر کامجو

آزادی قطب نمای راه ، برای راهبرد بهتر زیستن است . بصیرکامجو

بوسیله استقرار آزادی راستین و بویژه آزادی رسانه ای است که ،
زمینه های باز شناسی و رشد فرهنگ بومی یک سرزمین
بر ملامی شود. بصیر کامجو

رهبران کشورها از آزادی زیاد سخن می زنند ، مگر برای به
بند کشیدن « نَفَس آزادی» تا که می توانند، نسق و قانون ایجاد می
کنند. بصیر کامجو

آزادی سیلاب توفانی ای است که بزرگترین درخت استبداد را از
ریشه بر می کند . بصیر کامجو

آزادی جنگ افزار و ارستگی مردم ، از قید اسارت و درماندگی
است . بصیر کامجو

برای استقرار قانونمند ساختن آزادی واقعی در جوامع روبه انکشاف و سنتی ، به چندین نسل ! درس پی گیرنده روشنگری و خودارادیت ، درکار است . بصیرکامجو

تازمانیکه برداشت های ذهنی ، روحی و روانی جوانان و احساس اخلاقی آنها از آئین بدرد نخور ، وارداتی ، بیهوده و مهمل پاکیزه نگردد ، و در مقابل ، اندیشه های ناب ، ترقی پسند و تکامل یافته جایگزینش نشود . پیوسته آنها مقاومت نا بخردانه خود را در برابر ارزشهای انسانی آزادی خواهند داشت . بصیرکامجو

خود شناسی با آزادی پیوستگی وجودی دارد . هرگاه انسان خود را شناخت و به بزرگی و خلاقیت تفکر خویش پی برد ، آنگاه برای رهایی خودش از قید اجبار و اسارت زندگی ، آزادی را انتخاب می کند . بصیرکامجو

آزادی ، امنیت ، همبستگی و عدالت اجتماعی چهار ارزشی اند که رکن اساسی دموکراسی را تشکیل می دهند . بصیرکامجو

زمانی یک دولت برگزیده مشروع و مردمسالار به زندگی قانونمند خویش استمرار می بخشد که در رگ رگ حاکمیت سیاسی - ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی نظام ، خون پاکیزه چهارارزش دموکراسی : آزادی ، امنیت ، همبستگی و عدالت اجتماعی ، در جریان باشد. در صورت اهمال این ارزشها ، پایه های آزادی سست می گردد و جامعه بسوی چندگانگی ملی و تک صدایی کشانیده می شود . بصیرکامجو

آزادی ، جاری ساختن امکانات عملی گسترش دانش ، برای وارستگی انسان از جبر جامعه ، جبر خانواده و جبر خویشتن است. بصیرکامجو

آزادی ، یک ارزش انسانی یک نعمت خدا داد و حق ذاتی همه ای مردم است . بصیر کامجو

گسترش آزادی در کشورهای نامستقل و وابسته امکان پذیر نیست . زیرا استقلالیت و خودمختاری بستر ذاتی گسترش آزادی و خود فرمانی ملی است. بصیر کامجو

بخش دوم : قسمت هفتم - مهربانی

مهربانی ، زیربنای دوستی و اعتماد است. بصیرکامجو

مهربانی ، نماد رویکرد تزکیه نفس برای انسان شدن است .
بصیرکامجو

با مهربانی ، کرامت و نجابت خود را جاویدانه سازید. بصیرکامجو

هیچ لذتی درزندگی نمی تواند، جای لذت مهر و شفقت را بگیرد.
بصیرکامجو

مهربانی همچو آب پاکیزه ای است که کدورت ها ، تیرگی
و آلودگیها را از دل انسانهای آزرده و افسرده شستشومی دهد .
بصیرکامجو

مردمان مهربان نسبت به مردمان بی رحم و سنگدل از آرامش روحی و روانی خوبی برخوردار اند. بصیرکامجو

کسی که مشفق و مهربان است ، آدم راستکار ، استوار ، حق شناس و ثابت قدم می باشد . بصیرکامجو

چیزی که مادر را از بقیه انسانها متمایز می سازد ، همین نوازش و مهربانی گرم وی است . بصیرکامجو

افرادی که در کردار و رفتار آنها مهربانی خوش خلقی و دوستی وجود ندارد ، با تأسف که از مهر ذات اقدس بی بهره مانده اند. بصیرکامجو

شاذ ترین التفات زندگی یک انسان باکرامت اینست که نیت شایسته و مهر سرشار داشته باشد. بصیرکامجو

مهربانی بستگی به سن ندارد ، به کمال معنوی و سهش اخلاقی انسان وابسته است . بصیرکامجو

مهربانی ویژه مستبدان نیست . هرگاه آنها مهربان می شوند . بدانی که دسیسه دیگری در راه است . بصیر کامجو

مهربانی نه تنها یک کار اخلاقی بلکه یک رویکرد انسانی ودانشورانه نیز است . بصیرکامجو

مهربانی کردن برای دوستان به عشق ومحبت می افزاید ، مگر به مخالفان احترام اعتماد واستواری بوجود می آورد . بصیرکامجو

آموزش وپرورش سجایای اخلاقی مهرومحبت به پسرچه ها خیلی باارزش است . زیرا روان آنها را با عشق انسانی وبا راستی و صداقت ممزوج می سازد . بصیرکامجو

هر پیوندی که در زندگی با عشق و محبت آغاز می شود لذت بخش تر ، سرورآمیزتر و استوارتر و پایه دار ترمی گردد . بصیرکامجو

در مهرورزی تولا نسبت بدیگران سنجیده و متناسب گام بگذار . در غیر آن خسارتش بیشتر از فوائد آن است . بصیرکامجو

هر قدر پاس یک مرد به همسرش زیاد باشد ، متناسب به آن انگیزه دلگری و مهربانی وی به زندگی و خانواده او بیشتر می شود . بصیرکامجو

در اجرای کار های روزمرگی آفرین و شادباش گفتن برای کودکان و نوجوانان چه در خانواده و چه در محیط آموزش و پرورش ، زمینه های اعتماد بنفس آنها را برای زندگی سعادتمند آماده می سازد . بصیرکامجو

اگر همه ای مردم مانند مادر ها مهربان باشند . چقدر زندگی آسانی خواهیم داشت . بصیرکامجو

مالین دنیا و این زندگی را دوست می داریم . زیرا اگر این دنیا و این زندگی مقدس نمی بود خداوند جان و خرد - آن را بقدسیت خویش خلق نمی کرد. حالاکسانی که این دنیا و این زندگی را به انسانها درد آلود و گلو گیر می سازند . آنها وابسته به گروه اهریمن و مخالف مقدرات داده شده ای خداوندی هستند. بصیرکامجو

زندگی باغرور و لذت بخش آنست که : با ادای ادب به انسان شهروند احترام قایل شد . و فضای زیست باهمی را بانگرش انساندوستی به قله های بلند پیشرفت و دانش کشاند . بصیرکامجو

مردم انسانهای خوشروی و مهربان رامی پسندند. پس بیائید همه خوشروی ، مهربان و مردم پسند باشیم . بصیرکامجو

بی توجه ایی رهبران کشور به تدریس سجایای اخلاقی جوانان در برنامه های آموزش و پرورش ، سبب می شود که آنها در جامعه ، شریر ، بد جنس ، تباهاکار و مفسد بار آیند. بصیرکامجو

منبع مهر و شفقت مادر است . اگر می خواهید مهر و شفقت را در کشورگسترش دهید از ایمنی حقوقی و اقتصادی و روحی و روانی مادر و خانواده آغاز کنید . بصیرکامجو

مادر پر قدرت ترین انسان روی زمین است که هر انسان قدرتمند را در آغوش گرم خود پرورش داده است . بصیرکامجو

آیا شما کسی را در زندگی با چنین قلب پر از عشق و صمیمیت دیده اید ؟ بجز مادر . بصیرکامجو

اگر مردها مانند زنها مهربان و با گذشت بودند ، هیچگاه سایه سیاه جدایی در خانواده افکنده نمی شد . بصیرکامجو

هر مردی که به هر نسبت و نیتی که باشد ، به مادر وزن : این منبع مهر و خوشی خانواده ارزش و احترام قائل نباشد ، خالی از سه چیز نیست ، یا نادان است یا وحشی و یا بیمار . بصیرکامجو

اگر کارهای ما همیشه آراسته و مرتب باشد ، در حقیقت ما از راز پیوند نمودها وسازش و تخالف در وجود اشیا بهره برده ایم . و این راز نمود ها در دائره بُود: تأویل و تفسیر زایاندن و میراندن ، برخوردار و تزامم ، خوب و بد ، خیر و شر است ، و این اموری است که در جهان بستگی به ذات پیچیده هستی دارد. بصیرکامجو

استقرار امنیت در یک کشور وابستگی مستقیم به آموزش و پرورش سالم رهبران آن کشور دارد. اگر این افراد در ایام طفولیت و نوجوانی از اساسات تعلیم و تربیه انسانی و سجایایی اخلاقی برخوردار باشند ، در مرکز توجه اهداف سیاسی آنها بجز امنیت و آسایش مردم چیز دیگری نمی بود . بصیرکامجو

مرد ها بایست همسنگی و برابری حقوقی و عقلانی زنان را در همه عرصه ها به رسمیت بشناسند . به سبب سرپیچی از این اصل است که هنوز هم در تمام جهان زن ها از جانب مردها آزار و اذیت می شوند . بصیرکامجو

شکوه انسان در چهار چیز وابسته است. مهرورزی ، راستکاری ، پرهیزگاری ، تمالک نفس . بصیرکامجو

من هنگامی که شهروندان ایران امروزی را در دیار غربت می بینم برخی زیاد آنها فاقد مهر و محبت هم زبانی وهم تباری وهم فرهنگی با تاجیکان هستند . اگر تاجیکان ، پارسها و گردها همه فرزندان کوروش و داریوش اردشیر بابکان ، اسماعیل سامانی ... رودکی و فردوسی ، مولانا و ابن سینا ... هستند . و شما شهروندان ایران امروز به این رهبران و دانشمندان نیاکان مشترک مان با زبان قلم و سخن افتخار می کنید، پس جای تأسف است که قلب شما برادران همخون ما ، گواه این مهر و احساس نیست.؟؟

بصیرکامجو

بخش دوم :

قسمت هشتم - حق وحق شناسی

هر ابراز وجود ، دارای دو انگیزه الزامی است :

- یکی احساسی

- دیگری عقلانی

انگیزه احساسی تازمانی در وجود فوران دارد که سببش ناچاری به قله های رفع التذاد برسد، اما انگیزه عقلانی در وجود ، تازمانی به پرواز است که به قله های حق شناسی ، حق گیری و خود فرمانی فرود آید. بصیرکامجو

حق متعادل مشارکت در حاکمیت سیاسی ، وحق متعادل ملکیت برزمین ، یکی از شاخصه های بنیادی جامعه مدنی است . کشور های غربی برای تحقق چنین شاخصه هایی بنیادین به کشورما آمده اند . باتأسف ودرد آشی را که آمریکا وشورکایش دراین 20 سال پخته اند ، تا کنون چیزی به کام مردم ما نرسیده است. بصیرکامجو

آیا کسی در مورد اندیشه کرده که : حق و حقوق هم مشترک هست
و هم انفرادی ، پس چرا ما در هیچ کدامش نیستیم . ؟ بصیرکامجو

بالغزش ها و رویکردهای زودگذرنمیتوان بحق غایی خویش نایل
آمد . برای رسیدن به هدف ، مشکل را آسان بی بینید
و باتدبیر و تعقل و گذشت ، راه کوتاه و بدون درد سر را دریابید .
بصیرکامجو

حق ، آزادی و رهایی اختیار- از چمبره زور و تخویف است .
بصیرکامجو

چرا ؟ بالین همه امکانات پیشرفته دانش و معرفت بشری ، باز هم
مستبدان در برخی از کشورهای جهان با قتل و کشتار مردم
حکومت می کنند. انگیزه اش چیست ؟ اینست که مردم آن
سرزمین هنوز در خواب غفلت فرورفته اند و بجای اغتشاش
و ابراز وجود و حق خواهی و مقاومت در برابر مستبدان ، ناآگاهانه
خوش دارند که همه روزه مشتعل به شمار کردن زخمی ها و مرده
های خویش باشند. بصیر کامجو

نیازمندی انسان در فرآیند زندگی چیست ، به حق خود رسیدن است . بصیر کامجو

کسی که آغاز می کند ، انجامش نیز می تواند . آنکس به حق خود نمی رسد که در سرشت عمل وی ، نه آغازی وجود دارد ، و نه انجامی . بصیر کامجو

مؤمن کسی است که گرونده به ذات خدا باشد . و خدا را خالق هستی و مخلوقات خدا را نیک و گرامی بیند . زمانیکه انسان مخلوق خداست و دارای کرامت و حرمت است . و خدا وی را به علم قدیم خویش نسبت به سایر زنده جانها با کرامت و حرمتمدار خلق نموده ، پس آنهائیکه به کرامت انسان هتک حرمت می نمایند ، خیانت بر امانت خدا می کنند، پس معتقد به خدا و خلق خدا نیستند . بصیر کامجو

صلح و شادی مولد آرامش روح است . و انسان در صلح و آرامش روح ، پروردگارش را پرستش می کند . آنانیکه صلح ، فرهت و شادمانی انسانها را از میان می برند . علیه حالات پرستش، و نیایش بندگان خدا قرار می گیرند . بصیر کامجو

تجلی فرمان صلح کورش نخستین نوای دگردوستی در تاریخ بشریت است ، که به جای خون و خشونت ، نوید شادی و خوشحالی و بوی آزادی و انسانیت را سر داد. بصیرکامجو

میهن منبع پیدایی و بستر مستمر حیات آدمی است . عشق ورزیدن به آن خاستگاه ، تائیدی از شناخت ما به اصل اصیل سرچشمه پیدایی وجود بشریت است . بصیرکامجو

هویت تاریخی ، هویت فرهنگی و زبانی و هویت فناوری ... ارزشهای برارنده میهنی ایست که معرف مراتب عزت و افتخار و غرور شهروندان کشور ها در عرصه ملی و بین المللی بوده و منحیث گوهر آفرینش همبستگی ملی عرض وجود می کند. بصیرکامجو

امید وار بودن به زندگی شرافت مندانه جنب و جوشیست که انسان را متعهد به کار اخلاقی می سازد . بصیر کامجو

کسی که نمیتواند بیرون از دایره مادیت و شهوت زندگی نماید ،
توانایی پیشوایی و سروری را ندارد . بصیر کامجو

انسانی که می ترسد ، نفس آلوده و لقمه حرام در کام دارد .
بصیر کامجو

بروز همه جنایت متجاوزین - علیه بشریت ، سوای حفظ بقاء ،
دستیازی به قله های ممکنه مثلث بد جنسی (مادیت ، قدرت و
شهوت) است . بصیرکامجو

زمانیکه گفته می شود حق برکسی است که زور دارد . پس با
زور میتوان حق را از چنگال زورگیران گرفت . بصیر کامجو

بخش دوم :

قسمت نهم - احتیاج

در کاوشهای علم و دانش جامعه شناسی کسه انسان یک موجود " آرمانی" می باشد مناسبت زیست وی با مفهوم « احتیاج » پیوسته در پژوهش و در هم خوردن است .

و واژه "احتیاج" در مسیر رشد و تکامل حیات اجتماعی و اقتصادی یک جامعه ، دائم در دگرگونی و تغییر بوده و این بستر گیرودار ، اراده و آرمان مقدس بینواها و تهیدست ها را در زندان آز بی نیازان و توانگران ، به بند می کشاند .

بازشناسی منبع مادی «احتیاج» و پیدایی راه های رفع واقعی آن ، یکی از اولویت های اساسی جامعه ما و دولت را تشکیل می دهد ، بصیر کامجو

ناگزیری "احتیاج" در زندگی انسان در ابعاد وسیع زندگی تأثیر گذار است. بدین اساس آمیزش دنیای درون انسان در مبارزه برای رهایی از "احتیاج"، ارزشهای وجودی او را زیر رو ساخته، و خویشتن انسانی را در خود فرو می برد، و انسان حاجتمند، در این جدال ماهیت حقیقی و شخصیت اجتماعی خود را از دست می دهد. و همچو شیء بیجان در روند رفع نیاز منقلب و متغیر می گردد. بصیر کامجو

اساس حقیقت وجودی هر انسان، همین "احتیاج" است، و انسان در این دنیایی جبروتحمل پیوسته در مقابله با عوامل نسخ و اقاله "احتیاج" قرار دارد. بصیر کامجو

رفع حقیقت واقعی "احتیاج" در زندگی ، بنسبت اعمال فشار دنیای برونی حاجت ، ذات انسان پیوسته قربانی می شود. و در این شأن ، نیت و اراده خود را در پیوند با مؤلفه های چسبیده شده به "احتیاج" ، پدیدار می سازد.

بگونه نمونه : روسپی گری یکی از عوامل نسخ و اقاله "احتیاج" است. که انسان از قله بلند "کرامت" به پله های پست "تن فروشی" فرو می آید که تا بتواند خلاء احتیاج و تهیدستی را پر نماید . بصیر کامجو

مولوی بزرگ در مورد می فرماید:

آنچه شیران را کند روبه مزاج

احتیاج است ، احتیاج است ، احتیاج

اقبال لاهوری با فایده گرفتن از سروده مولوی می نویسد :

ای فراهم کرده از شیران خراج

گشته ئی روبه مزاج از احتیاج

خستگی های تو از ناداری است

اصل درد تو همین بیماری است

واژه "احتیاج" یعنی نیازمند گشتن، نیاز مند شدن و نیازمند بودن، گونه های از کنه ذات بقاء انسان است. که بدون از میان برداشتن این نیاز، تداوم زیست انسانی غیر ممکن است.

بصیر کامجو

در جوامع سنتی و نا متعادل "احتیاج" مانند بیماری چنگار (سرطان) ارزشهای وجودی انسان رادر همه سطوح مادی و معنوی می بلعد. و گلوی نیازمندان را می فشارد. بصیر کامجو

حق آزادی انتخاب، یکی از مؤلفه هایست که با واژه «احتیاج» پیوند جلی دارد. اما باتأسف که این حق آزادی در جوامع سنتگرا و عقب مانده در دایره قدرت رژیم ها و حاکمان جبار قرار دارد. بگونه مثال: "حق آزادی انتخاب" همسر و تشکیل خانواده، حق آزادی انتخاب اندیشه، آئین و شغل، حق انتخاب آزادی مکان کار و زیست ویا هر چیز دیگری که انسان در برگزیدن آن

از حق آزادی کامل برخوردار نباشد ، از جمله عاملی اند که ، مسبب بیماری روانی ” از خود بیگانگی ” در انسانهای تهیدست و عوام ، بویژه در بانوان جوان می شود.

آتش سوزی و خودکشی بانوان در سالهای پار و حال سرزمین ما، ناشی از همین مسخ هویت انسانی در نفی « احتیاج » و عدم رعایت ” حق آزادی انتخاب ” در همه جنبه های زیست فردی و اجتماعی آن بوده است. بصیر کامجو

” اعتیاد “ خوگرفتن ، وابستگی به برخی مواد از قبیل الکل ، حشیش، تریاک ، مُرفین ، هیروئین و غیره است . واژه اعتیاد با مقوله « احتیاج » یک تناسب متداخل ، متقابل و درآمیخته دارند.

فقدان نفی احتیاج در زندگی فردی و خانوادگی یک انسان است که سرانجام - وی منجر به اعتیاد به دخانیات و مسکرات و یا به هرشیء جاندار و بیجان دیگری می شود ، این روند ناتوانی بی ارادگی و عدم خود ایستایی ؛ در واقعیت گونه های منفی احتیاج است که هویت حقیقی انسان را واژگون ساخته و به هویت مجازی مبدل می سازد. بصیر کامجو

یکی از مؤلفه های دیگر « احتیاج » پول است. درزندگی پول میتواند یکی از عامل مسخ هویت انسان و یا ابتلاوی به بیماری " از خود بیگانگی " گردد .

زیرا هر قدر پول رباخوار - فزونی یابد ، به همان اندازه حس دنیا زدگی و آلودگیهای مادی در وجود وی تقویت می گردد و پیوند اجتماعی ، سلوک اخلاقی ، دوستی و نیت او به هم خورده ؛ و حس پول زدگی وجودش را عاری از معنویت و بیگانه از خود می سازد ، حرمت شناسی کرامت انسانی نزدش بیرنگ می گردد ، و همه چیز را با واحد اندازگیری " پول " سنجش می کند. بصیر کامجو

« احتیاج » یکی از نیازمندی های فردی و اجتماعی جامعه است که بر بنیاد نگرش ما این مشکل کلی اجتماعی منبع مادی و معنوی ویژه خود را داشته ، و در کشور های پسمانده و عقب نگهداشته شده بنسبت موجودیت رژیم های خودکامه و غیر مشروع که بر آنها حکومت می نمایند مستمر است . این مشکل درد زا و المبار درچنین جوامع روز تاروز زندگی شهروندان آنرا بسوی پرتگاه نیستی ، فقر و بیکاری می کشاند . بصیر کامجو

در آئین صوفیانه ریاضت کشی و عشق ورزیدن به ذات حق ، یک رویکرد سلوکی است که متناسب با واژه « احتیاج » در یک فرآیند مستمر و پویا ، میتواند انسان (سالک طریقت) را از خود بیگانه ساخته و هویت حقیقی وی را مسخ نماید .

بربنیاد آموزش عرفانی ، این دگر دیسی در حقیقت تابندگی عشق معنوی در دنیایی درونی سالک طریقت است که وی را می دارد تا از راه نیایش ، خلسه ، اوراد ، اذکار ، پرستش و زاری بدربار حق - برای تزکیه نفس اماره و صافی وجدان ، هویت حقیقی خود را گم می نماید و هویت شبه خویش را ، فرورفته در " نور حق " می یابد.

چنانچه حافظ بزرگ مینویسد:

چنان پُر شد فضای سینه از " دوست "

که رنگ " خویش " گم شد از ضمیرم

هزاران مؤلفه های " احتیاج " انسان در جوامع کهنه خوا و کهنه پرست ، از آنجمله کشور ما وجود دارد که سنگپایه ناهمگونی و نابرابری و تنگدستی زیست شهروندی را تقویت می نماید . و شخصیت وارسته ای انسان صاحب کرامت را در مسیر از هم پاشی هویت حقیقی اش قرار می دهد.

دولت‌ها مکلفیت دارند که تا در فرآیند سیاست‌گذاری‌های دراز مدت خویش که مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است، این مشکل انسانی و اجتماعی را شناسایی کنند و در راه از میان برداشتن این مشکل اجتماعی و خانواده اقدام عملی نمایند.

بصورت عام "احتیاج" یا نیازمندی‌های اولی انسان:

1- کار ،

2- خانه ،

3- تندرستی ، است .

تأمین این سه نیازمندی که امنیت، حیثیت و شرافت انسان را ضمانت می‌کند، در همه وقت بایست اساسی‌ترین بخش برنامه‌های سازندگی نهاد‌های دولتی را تشکیل بدهد.

دردا که ! تمام نهاد‌های دولتی، دول خود کامه درمردابه ای " از خود بیگانگی " غریب‌اند و نمی‌خواهند که "احتیاج" مردم از ریشه نابود گردد . یعنی بکلام دیگر، گلوی " از " خودکامگی آنها ، خود " ذات احتیاج " را نواریده اند. بصیر کامجو

هر قدر زندگی انسان آمیخته و وابسته به «احتیاج» باشد . فقدان رفع «احتیاج» ، زوال احساس تعلق و وابستگی را از یکسو و اتفاق چگونگی «از خود بیگانگی» را از سمت دیگر در انسان شتاب می بخشد و هویت وجودی و غرور و گردن فرازی ذاتی وی را بی تکلف در پرتگاه نابودی قرار می دهد.

در چنین حالت انسان محتاج ، خویشتن را متعهد به - فرمانبرداری ، بندگی ، خدمتگزاری، کهتری ، پیشخدمتی ، نوکری ، به قدرتمندان و رباخواران و حاکمان می داند . و آنها را منحیث موجود برتر از خود می پذیرد. بصیر کامجو

تأثیر فرهنگ شهادت و انباشته شدن سنت های پاگیر در یک کشور! مصونیت ، مالکیت فکری و معنوی شهروندان آنرا تباه می سازد و قشر بینوایان جامعه را بینوا تر و ناتوانتر می گرداند .

بصیر کامجو

دنیای «احتیاج» ، دنیای درد و غم و اندوه است . بدنبال از میان برداشتن این درد قرون باید بود . بصیر کامجو

هرگونه تهی دستی، ناتوانی و عدم تشکیل خانواده در یک جامعه ، ناشی از دشواری و تنگنا « احتیاج » است. بصیر کامجو

قدرت ، زور و توانمندی یک انسان در بازوی او نیست ، بلکه به اندیشه ، تفکر و اراده پیشتاز وی بستگی دارد . بصیر کامجو

پاسخ نیکی ، نیکی است ، پاسخ بدی را با مهر و محبت نیک ساخت. بصیر کامجو

چرا آفتاب سایه ندارد ، زیرا ذات نور زایل کننده سیاهی است.
بصیر کامجو

زندگی توانگران بنسبت تراکم و تکالیف اتفاقات دنیازدگی ، پُر و سواس تر از نیازمندان است. بصیر کامجو

رد نمودن بینش عقلانی نشانه نادانی است . نادان کسی است که قدرت تمیزش درگرو ایقان و باوربندگی ، گیرمانده باشد .
بصیرکامجو

هیچگاه به دانش امروزت بسنده مکن ، زیرا فردا نادان خواهی ماند. بصیر کامجو

هرقدر بیشتر و ژرفتر به اشیاء نگاه کنی ، بکن ، زیرا سرانجام این نگرش راه را بسوی شناخت کمال ، بازخواهی کرد .
بصیر کامجو

راز دارباش ! زیرا رسوا ساختن کسی درحقیقت به بی اعتباری خودت می انجامد . بصیر کامجو

بفکر بهبودی ، بالندگی و رویدگی چیزی باش که دراختیارداری.
بصیر کامجو

هنر کسب علم و معرفت ، فضیلت و کمال فکراست . پس با این قدرت و توانایی هنر ، می توان زندگی را رنگین ، دلارا و دگرگون ساخت . بصیر کامجو

آزادی ، نفس انسان است . بدون آزادی استمرار خوشبختی و سعادت غیر ممکن است . هر فکر و ذکر ، اندیشه و آئینی ، رژیمی و نهادی که بخواهد این نفس زندگی را از ما بگیرد ، نزد ما منسوخ است . بصیر کامجو

راستی و درستی به نیت نیک بستگی دارد ، نه به وقوف و معرفت و ادراک . بصیر کامجو

انسان در دنیای بسته دیدش زیست می کند نه در دنیای حقیقی بُود . بصیر کامجو

نیک اندیشی و پاکیزگی نفس تنها میزان بینش خوبی است .
بصیر کامجو

با تفکر و تعقل و خردورزی می شود به کنه ذات شیئی پی برد.
بصیر کامجو

روز زن و جلال و شوکت وی را همیشه گرامی داشت ، زیرا
زن خاستگاه و سرآغاز زندگی بشریت است . اگر زن نبود ماهم
در این هستی سرا ، نمی بودیم. بصیر کامجو

دوری و نزدیکی از خویشتن - بستگی به پاکیزگی یا آلودگی هوای
نفس دارد . بصیر کامجو

محبت نمک زندگی و نمودار انسانیت است. بصیر کامجو

هر قدر آگاهی و دانش ارتقا یابد به همان مرتبه نادانی خویشتن
آشکار می شود . بصیر کامجو

انسانها منبع رمز اند ، هر کس چیزی می داند که دیگری نمی
داند. بصیر کامجو

اگر می خواهی همیشه آزاده باشی باید خود را از تعلقات دنیائی ، پاکیزه نگهدار. بصیر کامجو

مسئولیت پذیری ، احترام گذاشتن ومهرورزیدن به پدر ومادر و خانواده : تکلیف انسانی ، میهنی و اخلاقی ست که در برابر هر شهروند جامعه قرار دارد. بصیر کامجو

اعتماد بنفس ارزشی ست که باورمندی به خود را تقویت می بخشد ودستاویز برخورداری انسان در زندگی می گردد .

بصیر کامجو

عشق ورزیدن یکسان به همه ، عالی ترین مقام کمال آدمیت است.

بصیر کامجو

رفتارموزون نشانه آرامش دنیای درونی ومعرف مقام قیادت است. بصیر کامجو

هر انسان هوشیار تلاش دارد که در مسیر انسانیت گام بردارد ، اما تازمانی که نفس اماره در وجود ماحاکم است ، رسیدن به این آرمان مقدس کاریست دشوار . بصیر کامجو

میان آدمیت و شرافت یک رشته باریک پیوند اخلاقی وجود دارد و آن گوهر حقیقت آدمی است . بصیر کامجو

خیانت و جنایت بیشتر از کسانی سر می زند که بی مایه و کم ظرف اند. بصیر کامجو

با عشق ، عقل ، دانش و تدبیری شود زندگی شیرین ، بدون درد و پراز شور و خوشی را تجربه کرد. بصیر کامجو

یکی از ترفند های با اهمیتی که به زندگی شادی می بخشد ، شناختن ارزش وقت است . بصیر کامجو

از رویارویی با گستاخ بدورباش ، زیرا این قماش نه شرم دارند ، نه ادب و نه حیا . بصیرکامجو

رهبرانی که مردم را به جهاد و شهادت تشویق می کنند ، آنها به این باوراند که انتخاب راه شان درست است. اما غافل ازین که ریختن خون هر انسان کرامت مداریه هردین و آئینی که باشد جنایت شمرده می شود . چون کرامت انسانی ، ذاتی خداداد و شالوده عقل و اختیار است . و در قوانین حقوق بشر به عنوان یک ارزش دینی و انسانی پذیرفته شده است. بصیر کامجو

هر آبروریزی ای که ناشی از احتیاج روزگار ، برای انسان مستمند مستولی گردد ، آنرا یک درد اجتماعی قبول کرد نه مشکل فردی . بصیر کامجو

مردمان کوتاه فکر به درستی و نادرستی اندیشه ها توجه و التفاتی ندارند ، بلکه عاشق باورها و پندارهای خویش اند . بصیرکامجو

کورمادرزاد دوقسم است . یکی آن که از مادر نابینا تولد می شود. چیزی را نمی بیند . و دیگری با چشم بینا پا به جهان می گذارد اما با یک تفاوت که واقعیت های جهان هستی را با بینش کورکورانه نگاه می کند . بصیر کامجو

شاد اندیشیدن ، شاد بودن ، شاد زیستن خیرگی است که به زندگی انسان معنا می بخشد . بصیر کامجو

هرکسی که در راه سعادت دیگران تلاش می ورزد ، درحقیقت اونشانی راه سعادت خود را دریافته است. بصیرکامجو

تازمانی که انسان چیردستی بر هوای نفسانی خود نداشته باشد ، پیروزمندی وی بر اراده مردم ، غیر قابل پیش بینی است .

بصیر کامجو

بخش دوم :

قسمت دهم - واژه ذات

شناخت عقلانی انسان از حقیقت واژه " ذات " مناسب همه شمول این گوهر را درآمیختگی بود هستی بیان می کند. بصیر کامجو

" ذات " مشابه : ، هستی ، حقیقت و گوهر وجودی نفس هرشی است ؛ تأمل ما در مورد ذات در واقع نگرشی بر هستی شناسی بنیادین شیء در روند متغیر تجلیات ، از مکان استقرار " بودن شیء " تا فراسوی " شدن شیء " در جنبیدن همیشگی به مسیری نهایت در جولان است . بصیر کامجو

سرشت راستین ذات شیء در آنچه قایم به خود ذات است تعریف می شود نه در آنچه دست خوش تغییر است. بصیر کامجو

تفکر و آموزش در باب حرمت شناختی جوهرذات ، میتواند در دو بُعد به نفع تغییراندیشه انسان هوشمند مفید واقع شود. یکی در تقویه سجایایی اخلاق تطبیقی، و دیگری در آموزش فلسفی و عرفانی خود ذات . بصیر کامجو

هر قدر تدبیر و نیت دولت ها ، مایل بر روشنگری و باز شناسی حقوق و موقعیت اجتماعی " ذات انسان " و گوهر کرامت مدار وی ، خردمندانه و انسانی باشد ، به همان میزان جامعه بسوی همزیستی سوق می یابد. بصیر کامجو

در اندیشه ما ارزشهای برجسته ای که موجب تغییر در تعریف ذات انسان می شود . و آن نه تنها در بردارنده قدرت تفکر و فهم و انتخاب و آفرینندگی ذات او، نهفته است . بلکه خود انسان با اراده آزاد و رفتار و کردار غایتمندانه خویش منبع و خاستگاه اهداف اخلاقی و مولد پیمانانه هاست. که این " پیمانانه " ها " نمودی " از قدرت خودآگاهی انسان و نمایش " کرامت " ذات اوست . بصیر کامجو

در دائره موجودات کُل هستی ، ذات انسان یک " وجود اصیل " و دارای گوهر شریف " کرامت " است. هر انسانی که به این گوهر شریف تمکین نمی گذارد ، از جنس انسان نیست .

بصیر کامجو

اگر گوهر " کرامت " را به عنوان گوهر تعیین کننده " ذات خود آگاه " انسان قبول کنیم . تکلیف مان در روند هستی شناسی بنیادین ذات انسان ، وقتی به یقین می پیوندد که ما در مسیر شناخت و معرفت آزاد مندانه ای خویش ، بجای نفی حقیقت گوهری ذات ، در جایگاه دفاع و بیان ماهیت و ارزش آن بی ایستیم . بصیر کامجو

دانش چراغ راه تاریک بشریت است ، که انسان بوسیله بینش شگفت انگیز ، " بودن " خویش را بمثابة واقعیت عینی در طبیعت و جامعه داهیانة معرفی می کند. و برای اثبات روند حقیقت " شدن " خود بسوی آینده ای دور، که وی در آن دیگر وجود ندارد، سهم رسالت مند اداء می نماید . بصیر کامجو

حقیقت سرشت بُود " ذات " در وجود - عرضی و اتفاقی نیست ،
تغییر ناپذیر و ابدی است. بُود " ذات " انسان با " کرامت " وی
که در مراتب امتزاج ذاتش متجلی یافته ، مناسبت های در خور
تداخل داشته و جزء کنه ذات است. بصیر کامجو

حقوق ذاتی انسان یک مقام ارتقایی ذات است که اساس کرامت
انسان را تبیین می کند . به این اساس انسان موجودی است که
به هیچ وجه نمی تواند جدا و گسسته از گوهر وجودی " کرامت
" خویش باشد. بصیر کامجو

کرامت رامیتوان اقامت گاه بودن ذات نامید ، یعنی افقی است که
در آن مرتبت نهایت های گَرَم ، قدر و منزلت و شرف و آبروی
انسان آشکار می شوند. بصیر کامجو

گوهر " کرامت " که خود یک خصلت وجودی " ذات انسان " است در همه موارد به تعینات و تجلیات حقوقی ، اجتماعی و اخلاقی انسان گره خورده است ، آن مقام قابل قبول نمودی از ندای وجدان و امتیاز بشریت است. که به آن گوهر بایست ارج و حرمت گذاشت. بصیر کامجو

بتوفیق خداوند



دکتر بصیر کامجو

زادگاه : ولایت پنجشیر

سال تولد : 1961 میلادی

زبان مادری : فارسی

تحصیلات عالی : درسنت پیترسبورگ , پراگ , هامبورگ
وماسکو

درجه علمی : دکتر در رشته علوم سیاسی ، حقوق و فلسفه .

آثار چاپی :

- 1 - تاریخ نظریات فلسفی
- 2 - اخلاق تطبیقی بیداری دگر دوستی
- 3 - تجلی احقاق حق در ابراز وجود
- 4 - تغییر نام افغانستان به خراسان مدخلی در راه صلح جاویدان
- 5 - پادشاهان آریایی
- 6 - عظمت فرهنگی خراسان
- 7 - اصول مرامی حزب دموکرات خراسان
- 8 - حاکمیت شوونیزم قبیله افغان مولد جنگ و جنایت
- 9 - حل اساسی مسئله ملی در افغانستان
- 10 - کج بنشین و راستگو
- 11 - روشنگرایی اندیشه در تعدد انتخاب
- 12 - هویت واجب تر از اکسیژن
- 13 - برخی ازارشهای فرهنگ ملی و تاریخی نیاکان ما

14 - عرفان و وحدت وجود

15 - دانشنامه سرزمین آریان (آماده چاپ)

نوشته ها و مقالات :

- 1 - فقدان یگانگی و اژگان میان فارسی گویان
- 2 - حامد کرزی از قیام برحق مردم مصرپندگیرد
- 3 - مردمان خراسان باید از حق خود دفاع کنند
- 4 - درفش و " سرود ملی خراسان "
- 5 - حاکمیت سیاسی و هویت ملی ، صلح و امنیت درگروه
شؤونیزم قبیله
- 6 - جاویدان باد خود فرمانی تاجیکان
- 7 - برخی از اندیشه های این قلم
- 8 - با عینک قبیله، به زبان فارسی نگاه کردن گناه ست
- 9 - فارسی ، زبان تفاهم و همبستگی ملی
- 10 - بریتانیا برای تولد نوزادانی با سه والد آماده می شود

- 11 - مشکل از خود بیگانگی
- 12 - خانواده مجددی
- 13 - آموزه هایی از تاریخ خود فرمانی ملی شاه حبیب الله کلکانی
- 14 - حامد کرزی در پی شر میگردد
- 15- کندز را از اهریمنان آزاد کنید
- 16 - افشره ای از درسهای تاریخی قیام ابومسلم خراسانی
- 17 - نامه به دولت افغانستان و قابل توجه جدی دیوان کیفری
بین‌المللی
- 18 - شرح نظام پارلمانی
- 19 - ارزش تاریخی و حدود جغرافیای سیاسی و فرهنگی
خراسان
- 20 - جشن نوروز زاینده همبستگی ودوستی
- 21 - می شود یک بار از " عشق " و " گذشت " سخن گفت
- 22 - نفیر خیال

-
- 23 - رهایی از فروماندگی
- 24- فرآیند پیدایی جنبش طالبان افغان و تداوم استقرار حاکمیت
سیاسی قبیله در چهره اسلام ستمگستر
- 25 - دست درازی کردن حکمتیار به مرز واژگان
گوهری زبان فارسی
- 26 - پاسخ به سخنان گند گلبدین حکمتیار
- 27 - قتل عام مردم بدست رژیم غنی - کرزی، به بهانه انتحار
وانفجار؟
- 28 - درک نادرست از میهن دوستی
- 29 - چراهویت افغانی برای تاجیکان، هزاره ها و ازبیکها قابل
قبول نیست
- 30- قتل عام مردم بوسیله قبایل افغان ، به بهانه نوروز
- 31 - راز پنهانی و رمز پیدایی پروژه طالبان

- 32 - گذشت جوهر زندگیست
- 33 - گزینه خود کفانی
- 34 - رویکرد جدایی دین از سیاست
- 35 - انگیزه تداوم جنگ در افغانستان
- 36 - ادعاء گرفتن استقلال از انگلیسها نادرست و دروغ محض است
- 37 - نقش اراده در مبارزات سیاسی " جنبش رستاخیز تغییر "
- 38 - تسلیم نشوید
- 39 - وجیزه ها در مورد مادر و انسانیت
- 40 - ندای وجدان
- 41 - مجسمه آزادی
- 42 - رتبه مارشالی به ارتشبد مرادعلی مراد
- 43 - سماع مولوی یک هویت فرهنگی است
- 44 - زبان فارسی است که ما هستیم

-
- 45 - اعلامیه تأسیس شورای نخبگان
- 46 - فواید اخلاقی درک و تفکر
- 47 - اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته
- 48 - معیار های دموکراسی
- 49 - گزاره تحقق امید اجتماعی
- 50 - ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان در چهار قسمت
- 51 - حق به زن داده نمی شود حق آن شناخته میشود
- 52 - نجابت انسان را گرامی دانست
- 53 - خشونت علیه زنان
- 54 - به مید آزادی زن از گرو اندیشه مرد
- 55 - نظریه نسبیت البرت اینشتین
- 56 - پیدایش کیهان شناسی در علم نجوم
- 57 - کشف فرضیه " بوسون هیگز " معروف به " ذره ای خدا "

-
- 58 - معرفتی از مغز انسان
- 59 - مسوده اصول مرامی حزب دموکرات خراسان
- 60 - اساسنامه حزب دموکرات خراسان
- 61 - طرح مرامنامه و اساسنامه کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان به کشورهای اروپایی و جهان
- 62 - نقش اراده در مبارزات سیاسی
- 63 - نقش جوانان در جامعه
- 64 - نقش موازین اخلاقی در انسانی سازی جامعه
- 65 - حکومت کرزی خطرناکتر از اسلافش
- 66 - کرزی از طرف پارلمان و محکمه عالی کشور مستفعی شناخته شود
- 67 - شناخت جایگاه هویت فرهنگ خودی بدروود با فرهنگ معامله
- 68 - پیشبرد سیاست چند زبانی در افغانستان گونه ای از استقرار حاکمیت شوونیزم قبیله است

- 69 - رفع ابهامات مبنی بر تأکید آریانا و آریایی
- 70 - برخورد عقلانی باسیاست تباراندیشی
- 71 - درباب عفوجنایتکاران جنگی (گلبدین حکمتیار و ملا عمر)
از طرف حاکمیت آقای حامد کرزی
- 72 - بیاد استاد فقید اکادمیسین دکتر جاوید
- 73 - نظری به کتاب اخلاق تطبیقی بیداری دگر دوستی
- 74 - معرفی کتاب تاریخ نظریات فلسفی
- 75 - بیانی از سه طرح سیاسی صلح برای خراسان - افغانستان
- 76 - نگاهی اجمالی به نیت و کارکرد های سیاسی زلمی خلیل
زاد ، حامد کرزی ، علی احمد جلالی
- 77 - صورتی از اجلاس ایند هوفند هالند
- 78 - بازتابی از رویکرد های بینشی رودکی بزرگ
- 79 - ایرادی بر مفردات برنامه انتخاباتی علی احمد جلالی
- 80 - اصول اعتقادی و جهان بینی دینی امام اعظم ابوحنیفه نعمان

-
- 81 - آموزش و مقام علمی امام بخاری
- 82 - اعلامیه سیاسی کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان مبنی
بررد سیاست (توزیع تذکره با ثبت ملیت افغان) دولت
حامد کرزی
- 83 - تاریخچه پیدایی دولت اسرائیل
- 84 - خزینة آمو دریا
- 85 - درد شناختی در قالب منظوم
- 86 - واژه آزادی
- 87 - برخی از آموزه هایی وحدت وجود در عرفان خراسان
- 88 - جایگاه معرفتی عقل و عشق در تصوف و عرفان خراسان
- 89 - شباهت های معرفت عرفانی عطارنیشابوری و انصاری
- 90 - همسنخی اندیشه های عرفانی سنائی غزنوی با انصاری
- 91 - مناسبت های متفاوت و همگون آموزش "وجود شناسی"
خواجه عبدالله انصاری و مارتین هایدگر

-
- 92 - تفاوت برخی دیدگاه‌های عرفانی، انصاری و مولانای بلخ
- 93 - رویکرد وحدت وجود در اندیشه سنایی
- 94 - سلطان عارفین (ادهم بلخی، بسطامی، ابوالخیر)
- 95 - مکاتب تصوف در عراق و خراسان
- 96 - فرقه های مکتب خراسان
- 97 - نگرشی برواژه ذات
- 98 - دانشمند وستاره شناس خواجه نصیرالدین توسی
- 99 - از داستان « نادانی خر » میتوان اندرز آموخت
- 100 - روند خود فرمانی ملی گُردستان بزرگ مبارک باد
- 101 - قتل عام هزاره ها بوسیله امیر عبدالرحمان افغان
- 102 - تاریخ دوباره تکرار می شود ؟ جنایت خاندان آل یحی
- الحاق ننگین ایالت پشاور به هند برتانوی (1832 میلادی)
- 103 - خاقانی شروانی " دیوان مداین "
- 104 - تعلیمات دینی فلسفه اسماعیلیه

105 - عقاید اخلاقی محمد غزالی

106 - اندیشه های متفاوت در باره عرفان و تصوف اسلامی

107 - حاکمیت سیاسی پشتونها در پرتگاه نیستی

108 - برخی از نخبگان مشهور تاجیکان در جهان

به توفیق خدا